

اول ماه مه، یازدهم  
اردیبهشت  
روز جشن کارگران  
سراسر جهان را  
هرچه باشکوهتر برگزار کنیم!



سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه  
**بیکار**  
۴۸

دوشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۵۹ بهای ۲۰ ریال

**قتل عام روستای «قهلاتان»  
بوسیله ارتش و پاسداران  
حتی پیر مرد ۱۱ ساله و نوجوان ۱۵ ساله را کشتند!**

**پیام نوروزی و سیاست رژیم  
در سال جدید**

چه کسانی از این پیام اظهار  
رضایت و شادی کردند؟

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در آستانه سال جدید خط منی سیاسی حکومت را در پناه ماه نوروزی خودبروشی ترسیم کردند. شاهات انکارناپذیر مضامین بیامها (بیام آیت الله خمینی، بنی صدر، آیت الله منتظری) از احساس مشترک تمام جناحهای هیئت حاکمه، علیرغم اختلافات درونی آن، نسبت به آینده حکومت و وضعیت جاری کشور، حکایت میکنند. احساس خطر در برابر امکان فروریختن سقف ترک خورده حکومت جمهوری اسلامی بر سر بجرانهای کمربتن اقتصادی و کسرتن امواج ناراضی توده های تحت ستم مردم.

**فران دو م  
جمهوری اسلامی  
و آرزوهای  
طفل دو ساله**

یکسال از فرماندهی کذاشی جمهوری اسلامی گذشت. در این روز مردم ما در مقابل این سؤال قرار گرفتند که سلطنت میخواهد یا جمهوری اسلامی؟ این سؤال در یک کلام به سرخه گرفتن مردم، سوء استفاده از احساسات مذهبی آنها و توهین به آنان بود. مگر نه این بوده که خلقهای ما میلیون ها بار فریاد زده بودند: "مرگ بر سلطنت" "مرگ بر شاه" و در این راه ۷۰ هزار کشته داده بودند. اما این سؤال آنهم در آغاز تشکیل حکومت جدید دلیل دانست.

همدرازان "امنیت" سخن گفتند و بر این نکته تاکید ورزیدند که اگر در این یکساله جدید "امنیت" به کشور بازنگردد، کشتی طوفان زده رژیم جمهوری اسلامی سرازیر می شود. اما خوادا... آیت الله خمینی گفت که "امنیت با بیاد امنیت به ایران بازنگردد". او این شاه بیت گفتارین در پناه ماه نوروزی ما مواد ۱۲۲ گانه بیام، هر یک بخوبی به این اصل انسانی مورد نظر حکومت، مربوط میداند.

بنی صدر هم از "امنیت" سخن گفت و اظهار داشت که "امنیت به خواست خدا سال امنیت است. و با تاکید و امراری بیش از گذشته همداردا دگر برای استقرار امنیت وی ریزی "حکومت قانون" به هر کاری دست خواهد زد.

البته شطبقاتی بیام دهندگان بخوبی آنرا بر این نکته اساسی واقف کرده است که حفظ "امنیت کشور" به زبان ما، حفظ امنیت و موجودیت حکومت، فقط و در درجه اول در سایه اقتدار استوار و تنگناهای اصلی آن یعنی قوای نظامی و انتظامی میسر است و درست به همین دلیل است که در تمام بیامها و بیخوس بیام آیت الله خمینی، موضوع ارتش و قوای انتظامی در محور مسائل قرار دارد.

آنها بر اساسی دریا فته اند که برای حفظ "امنیت کشور"، لازم است که در درجه اول "امنیت" خود ارتش تا مین شود آن موانعی که هم اکنون در درون این نهاد، بر سر راه بازگرداندن ثبات به آن قرار گرفته است. با "فاطمیت" برداشته شود، بنی صدر در این باره گفت که: "برای استقرار امنیت در کشور باید ایجاد امنیت در خود ارتش شروع کرد." (پیدا و نوروزی با سران ارتش) و آیت الله خمینی همداردا دکه: "هر کسی که خواست در ارتش کم کاری اعصاب، اخلال کند و راه اخراج و تبدیل مجازات کند." (بیام نوروزی) اما در همین حال "امنیت تنها در سایه جفا قی سرکوب، یعنی ارتش و قوای انتظامی نمی توان نندبر فرا رگردد. تجربه زندگی نشان میدهد که بکرات چنین واقعیتی را نشان داده بقیه در صفحه ۲

**فرمان عفو:  
ناز شست به جنایتکاران ساواک**

شب عید امسال آیت الله خمینی طی یک فرمان، اعمال رژیم شاه، ساواک، کیمکان ارتش آمریکا، بی تا هوا منالشان را مشغول عفو فراردا دوبرای خالی نبودن عریضه کسانی را که "منتهیاً در قتل" کسی دست داده اند تا از این عفو استننا کرد. عملگر در رژیم جمهوری اسلامی از روزی که بر سر کار آمده است بر پایه آزادی همسان ابزارهای سرکوب گذشته یعنی ارتش، پلیس و ساواک (البته حالانها ما و ما) استنی بوده بقیه در صفحه ۸

**مروری بر  
مبارزات کارگران  
شرکت ملی  
پروژه های  
(فاسترویلر - تهران جنوب)  
صفحه ۳**

**تور انقلابیون همچنان ادامه دارد**  
صفحه ۸

بمناسبت ۲۸ مارس (۸ فروردین)  
یکصد و نهمین سالگرد ایجاد  
اولین حکومت کارگری صفحه ۱۵  
**کمون پاریس،  
ناقوس مرگ دنیای کهن را بصدا در آورد!**



**مردم بیدفاع  
اندیمشک  
آماج  
گلوله های  
سپاه پاسداران**  
صفحه ۱۶

ضمیمه بیکار ۴۸  
را در همین هفته بخوانید  
اس سیمه مشتمل است بر:  
۱- اخبار تقلب ارتجاع در انتخابات  
۲- ساست انتخاباتی سازمان جریکهای  
عدالتی خلق، جلوه های از انحراف  
روز بیونستی (۲) ۰۰۰

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از صفحه ۱  
رفراندم ...

**اولاً -** اینکه سئوال میند سلطنت می -

خواهد یا نمی خواهد ( البته از نظر رژیم نمی خواهد مساوی جمهوری اسلامی بود ) به این دلیل بود که منطبق توده ها همیشه با منطبق بورژوازی لیبرالها تفاوت دارد . در رژیم ناه توده ها از راه انقلاب در پی داغان کردن سیستم بودند و بورژوازی لیبرالها با استفاده از انوش در پی جا جایی ها می بودند . در هفت ماهه قبلا بهیچن مابسط نتکین سلطنت را به زباله دانی تاریخ فرستاد ، بورژوازی از طریق نما بندگان خود ، سپهتلی ، بازرگان ... تانلن میگردد که از طریق " قانونی " ( قانون اساسی شاه ) حکومت را بدست گیرد . در آن روزها قرار بر این بود که پس از انتخاب بازربگان از جانب آیت الله خمینی مجلس شورای ملی تا همه بازرگان رای اعتماد دهد و بختیار را مستغنی اعلام نماید . بدین طریق دولت بازرگان زمانا موررا بدست میگردد - رجوع توده روزنامه ها ای انزما ن و سخنان صدر جاج سید جواد ای در این باره - این راهی بود که بورژوازی وبه سببیت آن همدستان بورژوازی برای به قدرت رسیدن انتخاب کرده بودند . اما راهی که توده ها می رفتند غیر از این بود ، آنان راه انقلاب را می رفتند . و سرانجام در این راه همه سربلرکوه قیام مسلحانه بهیچن را آفریدند و با منطبق خصای خود ، سلطنت را واژگون وبه سلطه امیریا - لیس مضریات جدی وارد آوردند .

طبیعی است که منطبق و راه توده ها برای لیبرالهای خاشن خوش نیاید . جبهه ملسی دربار ه قیام مکتوب : " که این خواست امیریا - لیس بود که هیچن مردم صلاح بخشن گردد ! " و با این استدلال مضک عمق نفرت خود را از قیام توده ها قیام مکتوبه نشان داد . بازرگان در همین مورد گفت : " بازان رحمت می خواستیم قیام آمد ! آری واقعا همه برای بورژوازی و نما بندگان آن امثال بازرگان وبه سببیت قیام نه بازان رحمت بلکه سبب بنیان کنسی بود که با تمام قدرت می بایست در مقابل آن سد ایجا می بند .

بنابراین بسیار طبیعی بود که بورژوازی به قدرت رسیده به منطبق توده در روز قیامی توجیحی و کینه نشان دهد و از سرمد سئوال کند آیا سلطنت می خواهد یا نه ؟! هدف دیگر این سئوال قانونی جلوه دادن خود در مقابل امیریا لیس بود . بازرگان در همان روزهای بی از قیام اعلام کرد که چنین رفتار ندرمی پس از قانونی نشان دادن ما در مقابل جهان لازم است ! مسلما اگر بازرگان از طریق مجلس شورای ملی شاه تائیدی نکند دیگر لزومی به این رفتار ندرم همی نبود ! چون دیگر خود را قانونی می دید !

**ثانیاً -** طرف دیگر این سئوال که سلطنت

می خواهد یا نه ؟ جمهوری اسلامی می خواهد یا نه بود . این سئوال نیز عوا مغربیا نسد و توهین آمیز بود ، این سئوال به این معنی بود که کسی که سلطنت نمی خواهد حتما با یک جمهوری اسلامی بخواد هدویا لیس کنسی کی جمهوری اسلامی نمی خواهد حتما با بد سلطنت بخواد . علاوه بر این " جمهوری اسلامی " نامی بود که محتوای آن برای مردم روشن نبود ، مگر در جا معبطاتی مابک نوع اسلام وجود دارد ؟ مگر هیچنئی و رفسجانی سببستار و سرما به دار که نماند بنده ، نجا ریزرگ و محتکرین با زار هستند ز رهبران اسلامی نیستند و در مقابل آنها میا هدین خلق ایده های انقلابی و مترقی خود را با اسلام توضیح نمی دهند ؟ مگر مراجع اسلامی نظیر شریعتمداری و روحانی و فقهی مدافع زمینداران و سرما به داران بزرگ نیستند ؟ بنا بر این مردم ما به کدام

جمهوری اسلامی با برداری می دادند ؟ اینها سئوالاتی بود که در آن زمان کمونیست ها و برخی از دموکرات های انقلابی در مقابل مردم ما قرار می دادند و نفس میا دادند این رفتار ندرم را انفا می کردند . هدف کمونیست ها از این سئوال روشن کردن ذهن مردم نیست به ما هیبت عوا مغربیا نهوسیا داده ! این رفتار ندرم بود و مکره آنها محتوا و ما هیبت این جمهوری اسلامی را نیز می شناختند ، و در رابطه با ما هیبت طبقاتی بقدرت رسیدگان جدید و عملکردهای هر چند کوتاه مدت آنها به مردم توضیح می دادند که حکومت بازرگان هسا و بیشتی ها نه در خدمت خلق و زحمتکشان بلکه در خدمت سرما به داران و زمینداران بزرگ و در نهایت امیریا لیس قرار دارد .

قانون اساسی خیرگان را از موضع انقلابی تحریم نمودند .

**طفل دوساله با آرزوهای جوانان**

این روزها جمهوری اسلامی ایران دو ساله شد ، اما این طفل دوساله آرزو داشت ره مدساله برود ، آرزو داشت که امروز خلق هسا کرد و ترکمن سرکوب و بیجای خود نسته باسد . آرزو داشت کارگران سرما به داران را بقول خودش " اذیت و آزار " ندهند ! آرزو داشت دهقانان به " تکلیف شرعی " خود آگاه باشند و زمین ها را مال آنها بروری آن جان کنده اند سر خود ما در هسا بنامند ! آرزو داشت که امروز بیکاران فریا دترزند " کار برای بیکار " آرزو داشت در ارتش سکوت و انضباط آریا مبری

- در رفتار ندرم جمهوری اسلامی مردم مجبور بودند یا حتما سلطنت طلب باشند یا حتما جمهوری اسلامی را بخوانند !
- ریزیزونیست های ورشکسته حزب توده و ریزیزونیست های رسوای سه جهانی هم به جمهوری اسلامی " وهم به " قانون خیرگان " رای مثبت دادند و بدین ترتیب در یوزگی خود را در مقابل قدرت حاکم نشان دادند .
- مجاهدین خلق که در رفتار ندرم جمهوری اسلامی صلحت روزرفادای اصول انقلابی کردند در رفتار ندرم " قانون اساسی خیرگان " مجبور گشتند که باین اصول انقلابی وفا دارند .
- آرزوی " دولت " و " شورای انقلاب " همیشه این بوده است که کارگران سرما به داران را " اذیت " نکنند ! دهقانان به تکلیف شرعی خود واقف باشند و زمین هائی را که سالیها بروری آن جان کنده اند صا در هسا بنامند و ... !

شما چند ما به مدحا نیت نظرات آنها ، برای میلیونها تن از مردم ما روشن گردید . بنا بر آن ما رسی ۶ میلیون نفر از کانسسی که در رفتار ندرم جمهوری اسلامی شرکت کرد و جمهوری اسلامی را در ظا هرید بر تبهت بودند ، زمانی که هی محتوای این جمهوری ، که همان قانون اساسی " خیرگان " بود ، می رسید ، از دادن رای خودداری کردند و آرا خجریهم نمودند . بی شک اکثریت این افراد را خلقها و زحمتکشان منهن ما تشکیل می دادند .

**موضع نیروهای دیگر در رفتار ندرم**

هما نظور که شرح دادیم کمونیستهای راستین با توضیح دلایل خود این رفتار ندرم را تحریم کردند . اما در مقابل ریزیزونیست های ورشکسته " حزب توده " و " سهجانی " ها بیوزگی نما مویا بنیایت جا کر کنسی در کنار نیروهای نظیر حزب جمهوری اسلامی قرار گرفتند و به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند . البته آنان برای خالی نبودن عریضه از محتسوا ای این جمهوری نیز حرف زدند و برای خود تفسیر کردند که حتما این جمهوری الهوبله خواهد شد . اما زمانی که محتوای جمهوری اسلامی یعنی قانون اساسی خیرگان می رسید ، باز این آستان بومان بورژوازی و ارتجاع بدان رای مثبت دادند ! در حالیکه حتی این قانون با انتظارات قبلی آنها ( البته انتظاراتی که حرفش را می زدند ) فاصله بسیار داشت ، به این ترتیب یکبار دیگر حزب ورشکسته توده و همجریانهای رسوای " سهجانی " نشان دادند که چگونه تا راه بنرخ روز می خورند و چگونه در بر خود به هیبت خاست که همه راه می روند .

**گرامی باد خاطره شهدای نوروز خونین سنج**

" امروز یکسال از جنگ خونین سنج می گذرد ، جنگی که نزدیک ۲۰۰ شهید و صدها زخمی بجای گذاشت . یکسال پیش در چنین روزی در آستانه نوروز ، در حالیکه مردم ما رزسناج خود آرا ما همه میکردند که با استقبال اولین بهار بعد از قیام خونین ۲۲ بهمن ما خلق هسا قهرمانان ایران برونه با یورش سرکوبگران ارتش ضد خلقی روبرو شدند . خلق کرد و مردم ما رزسناج که در طول مبارزات خدا میریا لیسستی و فدر سرما به داری و ابسته رژیم شاه خاشن فعالانه شرکت کرده و در این راه در همین شهر سنج شهدای داده بودند ، بجای آنکه بعد از قیام به خواستهای سرحق خود برسد با کلوله های خمیاره و هلیکوپتر و ... روبرو گشتند ."

اعلامیه سبب به تحریکات اخیرا رتجاع انا رد کرده است . گرامی بادا لکره شهدای بخون خفته شهر سنج ! ( بنقل با تلخیص از اعلامیه ۵۸/۱۲/۲۷ حوزه سنج سازمان )



بقیه از صفحه ۱  
بقیه از صفحه ۱ ...  
است . برای استقرار " امنیت " و تائینات کشور " ( بخوان نیا ت حکومت ) لازم است که رفرفیائی در زمینه های مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ، به اجراء آید و اندکی از با رستگین بحران خردکننده اقتصادی و فشار - های سیاسی ، از زبون زحمتکشان برداشته شود . آیت الله خمینی که بر اهمیت چنین رفرفیائی واقف است درسیا خود به اجراء در آمدن این رفرفیاء را در جهت استقرار " امنیت " در سال جاری ، کا ملاحیائی میمنا رد . ( نگاه کنید به بنده های ۶ و ۱۰ و سخن دوم بند ۱۲ ایام آیت الله خمینی ) .  
استقرار " امنیت " و بازگرداندن نیا ت و قدرت به حکومت درسا به سرکوب و املاط ، این است سیاست جاری رژیم ، حداقل در سال آینده که توسط سردمداران آن در آستانه سال جدید ترسیم شده است و بیامثال الله خمینی به روشنی چنین سیاستی را ترسیم کرده است . رئیس جمهور و تمامی نهاد های حکومتی ، از جمله مجلس شورای ملی ، برسا به چنین سیاستی ، به استقبال او اندرند ، سیاستی که کرکه کیفیت جدیدی نسبت به روش سیاست حکومت در یک سال گذشته را عرضه نمیکند ، لیکن به خودی خودشان میدهند که حکومت تصمیم گرفته است بر بنا مگا ر خود را در سال آتی ، برسا به مشور و برسا به معین و واحدی استوار سازد که رهوش آن درسیا میا بیرونی تعیین شده است .

**رشد جنبش خلق در سال گذشته**

کفیت که موضوع استقرار امنیت در کشور ( امنیت از دیدگا هیئت حاکمه ) ، محور ملی بیامچای نوزوی و بیوزیه بیامثال الله خمینی ، و لاجرم برنامهای حکومت را تشکیل میدهد . اما آنچه رژیم را به سمت اتحاد چنین سیاستی سوق میدهد و آرا و ادا میکند که بر اهمیت اجرای این سیاست تاکید میا بسند و اوضاع کشور در یکسال گذشته و نقش آن در ایجاد بنیاتی و بقول رژیم " تائینی " در جامعه است . در یکسال گذشته رژیم جمهوری اسلامی که یکسال پیش برای توده های مردم شاه خسته شده نبود ، با حدودی شناخته شده ، آنها در تجربه خود تا اندازه معینی فهمیده که این رژیم نه می خواهد و نه می تواند در راهی اساسی جا معما را در مان کند ، یعنی نه می تواند استقلال سیاسی و اقتصاد را تائین کند ، نه می تواند ندیکاری را از زمین ببرد ، نه می تواند مسئله ارضی را حل نماید ، نه می تواند نقضاً و اعتیاد وسیع روزی را از زمین ببرد ... در واقع در عرض یکسال گذشته رژیم جا کمه تنها در با سخوتی به خواستهای اساسی فوق ، که توده ها برسا آن ، قیام بر سرکوه بهیچن ما ه را آفریدند ، تا جز ما ندیکه به نکال مختلف در سرا بر حرکت و ادا معا انقلاب به منظور سخ- کوئی به این خواسته ها ایستا دگی کرد و خود به مانع وسدی در سرا بر تحقق این خواسته ها تبدیل شد . علت هر روشن است . چون حکومت را نیروهای ندر دست گرفته اند که با بستگی معین و آشکاری به طبقات بالائی جا معما دارند ، نیروهای که در تائیناتنا خرجه بهره کنی جا معما بر طریق ممکن بکار اندازند ، و در این راه ناچارند که بر سرا دا انقلاب توده ها با بپسند ، این ایستا دگی و مقابله و ترمیم تومبا وضع فلاکت با اقتصاد جا معما و فشار فزون از حدن بردوش زحمتکشان ، موج نسا - رفرفیائی را در میان توده های کارگرو سایر زحمتکشان شهروستا گسترش میدهد . خیال عظیم کارگران بیکار ، دهقانان بی زمین و بقیه در صفحه ۱۱

**برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق**



### کارگران چاپخانه افست (۲۵ شهریور سابق) با اتحاد خود مشاورینی صدر را عقب راندند

جمع شدن و هر کجا می‌توانستند، با لاف‌ها و بی‌شعاری‌ها، از کارگران به سالیان نهار خوری شرکت رفتند، همه کارگران از اینکه مدیرعامل کارخانه، این مزدور را عرسلک، برای پیمان کردن حق کارگران و سرکوبی آنها ۲ تن از نمایندگان فعال کارگران را هفت فرار داده است، بدست عصای بودند و اظهار می‌کردند: "بعدها انقلاب کردن و دادن این همه شهید با زنها ما کارگران همه نظور رفتار می‌کنند که رژیم گذشته میکرد" در مقابل کرمانا رودی می‌گوید: "اگر کارگران بسراگرتنروندی فرستاد زباها سدا را بیا ندهم، آنها را بیرون می‌زنند". این گفته، کرمانا رودی شوخوش خدمت سرمایه داران بروشنی به کارگران نشان داد که تا زمانی که سرمایه داران بسراگرتا باشند، همیشه از ابزارهای سرکوبی ما نندارتنش، شهربانی، سپاه پاسداران و غیره برای سرکوب مبارزان کارگران و مردم زحمتکش استفاده کرده‌اند. کشتن سپاه پاسداران هم نظور کبروشنی دیده‌اند، یکی از همین وسائل سرکوب در دست رژیم کما است تا هر کجا کارگران و سایر حجتگنان برای گرفتن خواسته‌های خود دست به مبارزه زنند، از آنها برای سرکوب کارگران و دفاع از سیستم سرمایه‌یادای و باستبه‌امیریا لیسما ستفا ده‌کنند.

وقتی کارگران این حرف را می‌شنوند، بر شدت عصیان نشان از افزوده می‌شود و مومتمتر برخاست خود، که با زنگت نما بندگان شان بسراگرتا است، با فشاری می‌نماید. یکی از کارگران می‌گفت: "ما در انقلاب با سینه باز جلوی گلوله رفتیم، اگر پاسداران بیایند من خودم، اولین نفری هستم که جلومی روم و بقدمار با می‌کنم می‌گوییم بزین!"

با لاف‌ها کارگران پاسا زحمت‌ناهیگر هنگی دستجمعی شورفا وان بطرف کشیدنی هجوم بردند و نفرمانا بنده خود را در میان گرفتند و بداخل چاپخانه آوردند. در سالن چهارخوری دو نما بنده برای آنها صحبت می‌کنند و به وحدت و یکپارچگی کارگران در مقابل سرمایه‌داری و عمل آن اشاره می‌کنند. سپس همه کارگران که با اتحاد دوما زره، خودتاسته بودند نما بندگان خود را بسراگرتا کردند، بیرومندا نه بسراگرتا برمی گردند و با روحه ای بسا رعالی و با حالتی تهاجمی منتظر رویدادهای ما شدند. آن روز بدون هیچ حادثه‌ای می‌گذرد.

روزی بعد، یعنی دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۷ به کارگران چاپخانه نبالا خبری رسد که کارماری رودی بقیه در صفحه ۱۵

شرکت افست (چاپخانه ۲۵ شهریور سابق) یکی از بزرگترین چاپخانه‌های ایران و خاورمیانه است. در گذشته سرمایه‌داران شرکت عمدتاً در دست اشرف پهلوی و دارودسته شاه خائن بود. پس از قیام متکوهمند خلقهای قهرمان ایران و سرنگونی رژیم سلطنتی، سهامی که متعلق به اشرف و پانداها بود، به دست رژیم جمهوری اسلامی افتاد، این سهام حدود ۸۳٪ کل سهام شرکت است و مسئولیت داخلی آن نیز بعهده شخصی بنام علی موسوی کرمانا رودی سپرده شد. "کرمانا رودی" علاوه بر این شغل، مسئول انتشارات روزنامه "انقلاب اسلامی" و مطبوعات تی رئیس جمهور و معاون وزیر پرست و تلگراف و... می‌باشد. این چاپخانه از دو قسمت مجزا ولی در ارتباط با هم تشکیل شده است، یکی از این قسمتها در داخل شهر با حدود ۴۵ نفر کارگر (چاپخانه مرکزی) و دیگری در جاده آذین با حدود ۲۵۰ کارگر می‌باشد.

حدود دوماه پیش، پس از درخواست مکرر کارگران و با فشاری و مبارزه، آنها برای تشکیل شورا، با لاف‌های ازلی فرازونبیب، های زیادی کارگران نواستند شورا ای خود را تشکیل دهند ولی ترکیب این شورا بسیار نامعقول می‌باشد و بی‌تسلط و جودسلطه، پارهای در عا رتجائی و عمال کارفرما در شورا، عملا نتوانسته‌اند زیادی از بیضت ببرند. در این مدت کارگران مبارزی که در شورا بودند و حاضر به سازش با مدیرعامل و عوامل او نمی‌شدند، چون خا خا در چشم کرمانا رودی بودند. "کرمانا رودی" که برای ترسنا زره، کارگران مجبور به پذیرش شورا شده بود، خواست این شورا بسا موق می‌شدند، انشورائی می‌خواست که در مقابل کارگران بایستد و از منافع سرمایه‌داران دفاع نماید.

در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۵ اعلامیه‌ای به امضای گروهی از کارگران مبارزان چاپخانه در دو قسمت چاپخانه نظور نما بخش می‌شود که در آن علاوه بر افشای عملکردهای شورا چاپخانه در این مدت و افشای نقش کرمانا رودی، به افشای عملکردهای رژیم در رابطه با "ویژه"، کشتار خلقهای ترکمن و کرد برداخته بود. این اعلامیه با استقبال پرشور و بی‌سابقه کارگران مواجه شد.

روزی بعد، یعنی صبح یکشنبه ۵۸/۱۲/۲۶ از رویدادهای کارگران به کارخانه نبالا در چاپخانه مرکزی و چند قسمت دیگر جلوگیری بعمل آوردند. کارگران در قسمت بالا (خارج از شهر) این امضا دهه، این عمل عوامل مدیر عامل بسراگرتا رو خردن رفتند و همگی در لباس کنی

### مروری بر مبارزات کارگران شرکت ملی پروژه‌ای (فاسترویلر - تهران جنوب سابق)

انقلابی نشان میدادند. ما این مسئله را عینا در فاسترویلر - تهران جنوب نا دیده ایم. شورا ای اسلامی کارکنان فاسترویلر را بدویدایش خود، هوارا دعای اسلام و مسلحانی میگردد و سعی مینمود از این طریق توده‌های کارگران را فریب داده و آنها را از مبارزه با زار دودر دین امر طی یک دوره کوتاه مدت نیز موفق شده بود ولی بتدریج با آشکار شدن مواضع سازشکارانه و خدکارگری شورا، کارگران از آن فاصله گرفته و بسمت نیروهای انقلابی و مدافع منافع کارگران روی آورده‌اند. انتخاب شورای هماهنگی بعد از انتخاب اخیر کارگران قهرمان فاسترویلر تهران جنوب موبداین مسئله است. در این شورا عمدتاً افراد مبارز و انقلابی حضور داشته‌اند و از عناصر سازشکار و فاسترویلر خیری نبود.

ولی این مسئله به پیچیده معنای آن نبود که عا ای شورا ای هماهنگی اشتباهی ندا شنیدند و توانستند بخواهی اعتبار را رهبری کنند. ما در زیر این مسئله را بررسی خواهیم کرد و اشتباهات شورا را نشان خواهیم داد و در اینجا فقط روی این مسئله با زحمت کندی - بسا تجربه بیرونی برای کارکنان ایران است. تجربه ای است که اگر به کارگران برداخته شود، در بسیاری موارد از تکثیر اشتباهات آن جلوگیری خواهد کرد. این تجربه به خوبی نشان میدهد که تشکیلات مستقل کارگری باید با جدود و تمام عا سرا سازشکار سپرده به سرمایه‌داران بدون معطلی افشا شده و از تشکیلات کارگران طرد شوند. بعضی تشکیلات کارگری بخصوص رهبری آن، تنها از طریق تصفیه صفوف خود از عناصر سازشکار و وابسته به سرمایه‌داران است که میتواند بدون تزلزل و انحراف در جهت منافع کارگران کام بردارد.

### نگاهی به مبارزات اخیر کارگران فاسترویلر - تهران جنوب

روزی در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران فاسترویلر در پی چند روز تجمیع و بحث و افشای در باره شرکتها و بیمانگاری و نقض انگلیسی آنها و... تا بلوهای کنسرسیوم فاسترویلر - تهران جنوب را با نشین کشیده و تا بلوی شرکت ملی پروژه ای را با ای آن نصب کردند. منظور این بود که با بدبینانگاری می‌شود در سطح ایران ملی شود و همه آنها در یک شرکت با این نام جمع شوند و از این طریق هم دست پیمان کاران امیریا لیسما از کنترلمان کوتاه شود و هم با برنامهریزی منسجم، کارگران پروژه ای هر چه کمتر بیکاری کشیده و سرسبیب در پروژه‌های مختلف شرکت ملی پروژه ای مشغول بکار شوند، کارگران فاسترویلر بعد از این اقدام خود، شورا ای هماهنگی فاسترویلر را بطور دمکراتیک و از قسمتها ای مختلف کارخانه انتخاب کرده (از ۴ قسمت و هر قسمت ۳ نماینده) اورهبری اعتبار را با آنها سپردند و با اعلام خواسته‌های خود مبنی بر:

کارگران ایران در طول سالهای سیاه رژیم پانده، بدلیل حاکمیت سندیکی‌های زرد معمولاً از مبارزه سندیکی‌لیستی برکنار بودند اغلب کسانی که سندیکی‌های فرما بی زمان شورا میگردد ندند فرادی بودند سرسپرده و حامی منافع سرمایه‌داران، در آن سالها کارگران ایران در بیرون از مدار سندیکی‌ها مبارزات خود را شکل داده و پیش می‌بردند. در سالهای آخر عمر رژیم پانده نیز کارگران ایران کموبیش با این مسئله روبرو بودند و بدلیل مختلفی نتوانستند تشکیلات واقعی خود را بوجود بیاورند و عمدتاً تشکیلاتی که بوجود آمدن با موضع کارگری بلکه معمولاً ملغمه‌ای بود از مواضع کارگران و کارمندان و در این تشکیلات نه سستی مستقل کارگری بلکه سستی خرد بورژوازی بود که منسک میشد. بعد از قیام مهریکوه خلقهای ایران در بهمن ۵۷ لزوم تشکیلات مستقل کارگری با نمایندگان واقعی کارگران هر چه بیشتر احساس می‌شد. چرا که اگر تا دیروز افراد خرد بورژوازی و متزلزل بدلیل مبارزه مشترک با رژیم پانده در کنار کارگران قرار گرفته بودند، امروز در مقابل فشار بیرونی سرمایه‌داران و در نتیجه سازشکاران و تزلزل بودند، اکثر شورا‌هایی که در حین قیام و بعد از آن تشکیل شدند، منعکس کننده منافع کارگران نبودند نمایندگان کارگران شوراها شرکت داشتند عمدتاً سازشکار و متزلزل بودند. ولی این مسئله سازشکاران را در مقابل کارگران از زمان روزهای قیام و حتی قبل از آن احساس می‌شد، از طرف توده کارگران احساس نمی‌شد. هنوز کارگران در تجربه روزمره، فرق بین نماینده واقعی و غیر واقعی، سازشکار و سازش‌ناپذیر خا خا ندوم... در درک نکرده بودند و از آن این امر طی کردن یک دوره بود که در طول آن کارگران در عمل با کارهای خدکارگری آنها آشنا شده و آنها را طرد کردند. اما عمال سازشکاران و نه‌خواه‌ها نسبتاً راکتور شورا ای اسلامی طی ماههای بعد از قیام محکم مانع بسیاری کارگران بود که از بی‌بند کارگری بودن این شوراها برده و از آنها رویگردان شوند. کارگران می‌دیدند که چگونه کسانی که دم از اسلام و "مستضعفین" می‌زنند در عمل سرمایه‌داران حمایت کرده و کارگران را دعوت به "مبارزات" می‌کنند. آنها می‌دیدند که حامیان منافع کارگران نه آنها بلکه کسانی هستند که در عمل علیه سرمایه‌داران مبارزه میکنند و به نکرار حرفهای بزرگ و شعارهای پلوانی و بی‌مطابق با سینه نمی‌کنند. روی آوری کارگران به نمایندگان سازش‌ناپذیر و کمونیست طی ماههای اخیر موبداین مسئله است. این مسئله جای مهمی است که با وجود اینکه حامیان سرمایه‌بهره‌گیری از تمام مکانات تبلیغی (رادیکال - تلویزیون - مطبوعات - مراسم نماز جمعه - راهپیمائیها و...) کارکنان را از کمونیست و نیروهای انقلابی می‌ترسانند، با زکارگران روز بروز گرایش بیشتری نسبت به کمونیست و نیروهای

### کارگران مبارز جیت ممتاز کارفرما را وادار به عقب نشینی کردند

کارگران کارخانه جیت ممتاز در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۲ بمنظور گرفتن یکماه عیدی، دست به اعتصاب زدند. کارگران در محوطه کارخانه جمع شده و خواهان تصفیه عناصر مزدور از کارخانه، انحلال شورای قلابی و بویژه دریافت یکماه عیدی شدند. مدیر کارخانه (علیزاده) با تمام کوشش که در قریب کارگران ایجاد تفرقه در میان آنها داشت، نتوانست کارگران را به عقب نشینی وادارند. و سرانجام بعد از راهپیمائی و نظارات کارگران و با فشاری متحدانه آنها در مورد اینکه تادریافت عیدی سرکار نخواهند گرفت، موفق شدند که این خواست خود را به مقامات کارخانه بقبولانند.

ملی کردن شرکتها و بیمانگاری و تاسیس شرکت ملی پروژه ای ایران. - لنوفا را دادا سازشکار فاسترویلر - تهران جنوب با صنایع فولاد. - رسمی شدن کلیه کارگران بیمانی. دست به اعتصاب زدند. گروهی از کارگران مبارز فاسترویلر در این روزها طی اعلامیه‌ای این مطلب را چنین بیان کردند:

"ما می‌خواهیم این بیمانگاری برود و آن دیگری وارد میدان شود. ما میخواهیم اولاً تمام قراردادهای بین دولت و بیمانگاریها لغو شود و مورد حسود، خواهان لغو قرارداد بین فاسترویلر - تهران جنوب با صنایع فولاد هستیم. تاسیس - تمام کارگران بیمانی رسمی بقیه در صفحه ۴

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳  
موروی بر...  
شوند که با زور و خودمانی تمام کارگر-  
ان فاسترویل را بیدرستی شوند.  
تا لثا - کارگران پروژه‌های در هر نقطه  
از ایران با بیدرستی یک شرکت ملی  
با نام "شرکت ملی پروژه‌های فرا بیکریند"  
کارگران پروژه‌های که در زیر پوشش این  
شرکت قرار می گیرند، هنگام اشتغال  
بکار، از حقوق و مزایای کارگران رسمی  
استفاده می کنند و در ایام بیکاری از حق  
بیمه بیکاری بهره مند می شوند.

۱) اعلامیه گروهی از کارگران مبارز فاسترویل  
مورخه ۵۸/۱۱/۱  
با این ترتیب اعتصاب با خواسته های  
متنخص شروع شد و هر روز که می گذشت کارگران با  
شورش و شوق بیشتری حول برنا هم های شورایی  
هما هنگی جمع شده و پستی تپانی هر چه بیشتر  
خود را از نشان میدادند و کارگران مانا  
(در تاریخ یکشنبه ۵۸/۱۰/۳) و کارگران مانا  
ساز (در تاریخ روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۷) و  
سندیگای کارگران پروژه‌های آبادان و حومه  
(در تاریخ ۵۸/۱۱/۲) پستی تپانی خود را  
از اعتصاب کارگران فاسترویل - اسلام  
کرده و آنها را به مبارزه با استبدادگی در مقابل  
امپریالیست ها و اعمال داخلی آنها، تشویق  
کرده اند.

کارگران فاسترویل - تهران جنوب با  
وجود اینکه تشکیلات مستحکمی ندا شنند ولی  
بدلیل شور و شوق فراوان کارگران در مورد  
رسمی شدن ملی کردن شرکت های بیمه نگاری  
در اجتماعات کارگران شرکت کرده و هر روز  
سخنرانی های متعددی در رابطه با مسائل  
سیاسی روز مصالح طبقه کارگر ترتیب می  
یافت.

روز ۵۸/۱۱/۱۴ هیئت ۷ نفره ای از  
تهران به سرپرستی شبانی جهت مذاکره با  
شورای هما هنگی وارد کارخانه شدند، این  
هیئت میخواست در پشت درهای بسته با شورا  
مذاکره کند تا روزنه ای برای سازش پیدا کند  
و از این طریق اعتصاب را بشکند، ولی بیجا  
عکس العمل کارگران، تیرشان به سنگ خورد،  
چون اعضای شورای هما هنگی از آنها درخواست  
کرده که در حضور کارگران با آنها مذاکره کنند.  
این مذاکرات جلوی دفتر کارگزی فاسترویل  
و بیلبرگوار شد و کارگران با شعارهایی از  
قبیل:

- کارگر بیمانی رسمی با بیدگرد!
- زندگی کارگرتان با بیدگردد!
- کارگر، کارگرتون انقلاب است!
- سرمایه داران زورده دشمن انقلاب است!
- اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد علیه امیر -
- ایلیسم، با استقبال هیئت از نمای رفند
- و طی همین جلسه کارگران با افتخار کیهانی  
خود، اعضای هیئت را مفتضح کردند و بیکار  
دیگر خواسته های خود را در زمینه ملی کردن  
شرکت های بیمه نگاری و رسمی شدن کارگران  
بیمانی و تاسیس شرکت ملی پروژه های و لغو  
قزارد فاسترویل - تهران جنوب با  
صنایع فولاد تکرار کردند و با این ترتیب  
هیئت بدون اخذ نتیجه به تهران بازگشت.

در روزهای بعد تدریج سیاه پستی دیگری  
از طرف مقامات مسئول بمورد اجرا گذاشته شد  
آنها این بار دیگر نه از طریق هیئت و مقامات  
مسئول بلکه از طریق تفرقه اندازی بین  
کارگران و همچنین نفوذ دادن عناصر خود-  
فروخته و رنگ عوض کرده در درون شورا های  
هما هنگی، میخواستند اعتصاب کارگران را  
با شکست مواجه سازند، و در رابطه با همین  
سیاست، مسئله عرب و عجم از طرف عده ای از  
کارگران نا آگاه و عقب مانده که از نظر ف  
عنا صر خود فروخته رهبری میشدند، عنوان شد  
که با هوپنری کارگران و شورایی هما هنگی  
این توطئه خنثی شد، در همین زمینه کارگران

مبارز ما، فاسترویل، مانا شین سازی بار  
تراکتی با عنوان "کارگران عرب، کارگران  
عجم، اتحاد! اتحاد!" منتشر کردند که طی آن  
ضمن تاکید بر اتحاد کارگران عرب و عجم چنین  
گفته شده بود:

"برادران کارگران مبارز ما تنها در  
مورثی به بیوزی خواهد رسید که تمام  
کارگران اعم از عرب و عجم... با هم  
محد شوند، متحد شوند و بیوزی را میریالیست  
ها و وابستگان داخلی آنها را بکشند  
بسالیم."  
ولی در مورد دیگر، یعنی در مورد تفرقه  
عنا صر خود فروخته و رنگ عوض کرده، متاسفانه  
شورای هما هنگی برخوردی نشان داد و از  
این طریق ضربه مهلکی به اعتصاب وارد کرد.  
همه کارگران فاسترویل را حتی تمام کارگر-  
ان مجتمع صنایع فولاد شخص سرسپرده و  
مردوری همچون "سراج دفاعی" را بخواهی  
می شناسند، ما هیئت این فرد که در "شورای  
اسلامی" فاسترویل حضور دارد و همواره در جهت  
سیاست های هیئت حاکمه، رودر روی کارگران  
ایستاده است، برای شورای هما هنگی  
ناشناخته نبود، ولی متاسفانه هیئت ای  
کارفرمای او توانست شورای هما هنگی را  
بفریبد، دفاعی با تشبیر رنگ، وارد میدان شد  
و نتایج را منتهم به همکاران با امپریالیست  
ها و ضد انقلاب کرد! و اعلام کرد که شبانی و  
جعفری را به دادگاه انقلاب می کشاند! و...  
و تمام اینها در واقع امر ظاهری بود  
و با کار و وظیفه شورا های هما هنگی بود که  
با افتخاری، ما هیئت ضد کارگری و بوقلمون  
مفتی اورا برای کارگران توضیح داده و هر چه  
بیشتر اورا مفتضح می کرد، ولی... شورایی  
هما هنگی بجای این کار، دفاعی را در جلسات  
خود شرکت داد، و با واج زده دادگان زیر پوشش  
کارهای شورای هما هنگی مطلع شود! از این  
طریق، مقامات و عمال رژیم در جریان کار  
های شورا قرار دهد...

در ادامه این جریان می رسیم به روزهای  
سالگرد قیام که با جاری شدن سیل خوزستان  
همزمان بود، بعد از جاری شدن سیل، شورایی  
هما هنگی ستاد مدادی تشکیل داده و اکثریت  
شورای هما هنگی به مرکزک به سیل زدگان  
برداختند، هما نظری که می دانیم در این روزها  
کارخانه عمدتاً بحالت نیمه تعطیل در آمده  
بود و کارگران برآکنده و متفرق شده بودند و  
این خود زمینه مناسبی بود برای توطئه جوی  
عمال رژیم، در این روزها که کارگران همچون  
روزهای قبل متشکل نبودند، سراج حتی میبند  
علیه آنها توطئه جدیدی کرده و متاسفانه  
شورای هما هنگی از این امر نیز غافل ماند و  
کمک به سیل زدگان را محور کار خود قرار داد و  
در بسیج کارگران و متشکل کردن مجدد آنها ن

حول شورا های هما هنگی کوتاهی کرد، با این  
ترتیب فرصت مناسبی برای شورای اسلامی  
پیش آمده که از طریق میتوانستند برنا هم-  
های ضد کارگری خود را طری کنند.

**تاجم تازه هیئت حاکمه**

در تاریخ ۵۸/۱۲/۴ شبانی عضو هیئت  
عامل طی نامه ای به مهندس حسینی، اسلام  
کرده که حقوق کارگران فاسترویل - تهران  
جنوب قابل پرداخت نیست و این نشان میدهد  
که هیئت حاکمه شوراها شروع کرده است.  
نزدیکی شب عیدویی بیولی کارگران زمین-  
ای بود که آنها میتوانستند بحدت از آن  
استفاده کنند. چون که کارگران فاسترویل  
فاقد صندوق اعتصاب بوده و عموماً به حقوق  
بخور و نمیر خودشان چشم دوخته اند، بعد از  
این امر، کارگران مبارز فاسترویل طی  
اعلامیه ای این عمل را محکوم کرده و از همشهر  
با این آهوازی خواهان پستی تپانی شدند.  
شورای هما هنگی در مقابل این اقدام  
شبانی (کسی که در زمان شاه جلابخا طرخوش  
خدمتی هایش در ذوب آهن مدال تاج هما بونی  
دریافت کرده است)، نتوانست سریعاً موضع  
گیری کند و با مقداری تاخیر میخواست که یک  
راهیمائی اعتراضی با ترتیب داده و با این  
ترتیب مدای کارگران را بگوش مردم شهر  
برساند، این عمل، اولاً بدلیل حمله عناصر  
مرجع به دیلمه های بیکار از هوا زدن روز  
جمعه انجام نگرفت و ثانیاً اگر هم انجام میشد  
نتیجه ای جز انفجار دودمانی هر چه بیشتر  
کارگران فاسترویل بر نمی توانست داشته  
باشد با این معنی که وقتی کارگران فاسترویل  
بخاطر پرداخت شدن حقوقشان دست به  
راهیمائی میزنند آیا انگیزه ای در کارگران  
مانا و مانا شین سازی که حقوقشان برداشته  
است، برای راهیمائی وجود خواهد داشت؟  
آنها میخواستند که این راهیمائی با جلب  
حمایت کارگران مانا و مانا شین سازی در رابطه  
با مسئله شرکت ملی پروژه های و رسمی شدن  
کارگران بیمانی صورت بگیرد؟  
بدین ترتیب شورا ای هما هنگی کسری  
انجام داد و هر چه بیشتر زمینه را برای قدرت-  
گیری عناصر حشنا خسته شده ای همچون سیدها شم  
موسوی و سراج دفاعی و جبار طریفی و اسدپورو  
مطلق بیوروعیادی و... صاعه کرد.

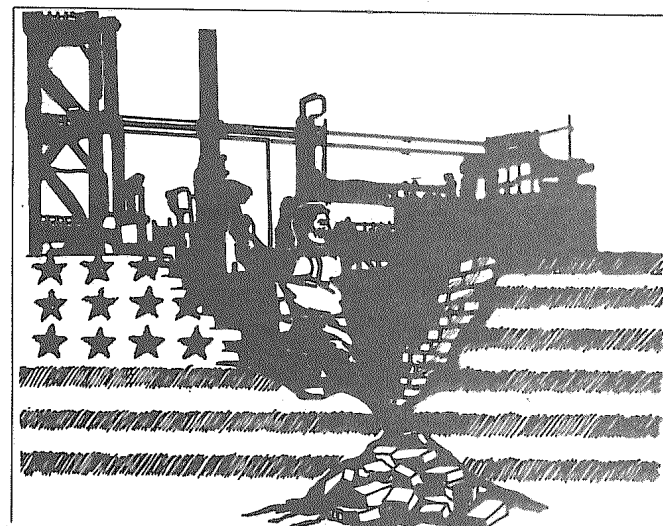
روز شنبه ۵۸/۱۲/۱۱ یکی از روحانیون  
با اسم شعبی که از طرف سیدها شم موسوی به  
کارخانه آمده بود، ضمن سخنان خود عمل کار-  
گران را اخلالگرانه خواند و انقلابی عنوان کرد  
که بلافاصله با شعارهای "کارگر بیمانی رسمی  
باید گردد - شرکت های بیمانی ملی باسد  
کرده" از طرف کارگران مواجهه نمود و مجبور شد  
صحنه را ترک کند.

**جماعت بدستان وارد صحنه میشوند**

روزیکشنبه ۵۸/۱۲/۱۲ کارگران فاسترویل  
و بیلبرگوار جلوی دفتر کارگزی (سه طبقه)  
اجتماع کرده و در مورد وحدت و شکل و مبارز-  
ات ضد امپریالیستی کارگران صحبت میکردند  
در این روز از صبح معلوم بود که اتفاقاً در  
شرف تکوین است. کارگران نا آگاه و فریب  
خورده حول کسانی همچون دفاعی و اسدپورو  
سیدها شم موسوی گرد آمده و به کارگران مبارز  
بیشتر و کارخانه جنگ و دندان نشان میدادند  
و عمدتاً به جماعت و کابل و جاقوصل بودند.  
روزیکشنبه اینها پستی تپانی از طرف شورا ای  
هما هنگی در یک مناظره تلویزیونی با حضور  
استاندار و رنجت حاکم شرع و مهندس شبانی  
و دفاعی (عناصر معلوم الحال... شرکت  
کرده بودند و قرا بر این شکسته توارا پس  
مناظره بعد از سخنرانی کارگران و بعضی از  
اعضای شورای هما هنگی برای کارگران آگاه  
شود، عناصر مرتجع همچون سیدها شم موسوی  
مدام در حال تردید بین کارگران نا آگاه  
بودند و با سخنانی از قبیل: "اینها کمونیست  
هستند" "اینها خدا ندارند" "آنها راهبر  
چه بیشتر علیه ما شورا و کارگران آگاه  
انقلابی فاسترویل تحریک میکردند، مثلاً وی  
توانست جبار طریفی (کسی که عامل سوء قصد  
به حسن بابادی بود) و اطرافیان را نیز جهت  
یورش بسیج کند.

وقتی موعبد بخش توارا مناظره رسید، آنان  
با چوب و چراق و با شعارهایی از قبیل مرکز  
بر کمونیست... بطرف کارگران حمله کردند  
(تعداد این عده حدود ۴ نفر بود) آنها شعار-  
های ضد امپریالیستی و ضد سرمایه دار  
ایستاد را به گردن دشمنان زدند و شورایی  
هما هنگی را زیر محنت و لگدگرانه بدینطور  
یکی از آنها بیانی اش نکست و لبش پارفتد و  
دیگری بیخوش بر زمین افتاد و...  
کارگران انقلابی و آگاه شرکت نمی-  
خواستند درگیری پیش بیاید با بیرون ست  
در مقابل آنها برخورد کرده و با شعارهای "مرک  
بر ارتجاع"، "ارتجاع همدست امپریالیسم"  
و... آنها را بحال خود گذاشتند.

همین روز دفاعی و اسدپورو سیدها شم  
موسوی با استاندار و حاکم شرع و شبانی  
تسا گرفتند و به آنها زده دادند که محبص  
برای تشریف فرمای آنها آمده است. یعنی  
مثل همیشه قبلاً یک عده زمینه را آماده میکنند  
تا آنها بیایند، آنها که روزهای قبل بدلیل  
هراس از افشاگرایی کارگران جرات قدیم  
گذاشتن به کارخانه نداشتند، با این خیر  
بلافاصله روز بعد محل کارخانه حاضر شدند.  
قبل از حضور مقامات رژیم، قطعتاً به تحمیلی  
از طرف مقام حردانی که خطبه ای لومینی او  
را همه میدادند، خوانده شد و سوسپله همان عده  
معدود تا نشیمن که طی این طعن مانا انحلال  
شورای هما هنگی و تصفیه کارخانه از افسراد  
"خدا انقلابی!" (بخوان افراد مبارز انقلابی)  
و نکست اعتصاب خواسته شده بود. محمد غرضی  
استاندار خوزستان که بدینطوری در اعمال ضد  
انقلابی دارد (یک نمونه کوچک آن دستگیری  
فرزندان آیت الله طالقانی است) ضمن  
سخنان خود، تکیه زیادی بر روی شکستن  
اعتصاب و بعد از آن گرفتن حقوق و پاداش و  
عیدی داشت و حتی نیز که بحق اوراق حکم "تر"  
با بدگفت، ضمن تاکید سخنان استاندار بر  
روی مواد قطعتاً به کارمندان، تا کید کرده  
و اولاً آنها را انقلابی خواند! شبانی نیز که  
ذوق زده شده بود، بلافاصله اعلام کرد که همین  
حالا به تهران خیر میدهم که اعتصاب مکنه شد  
حقوقها را بپردازد و... (او چند روز پیش  
میگفت که نمی تواند در مورد برداشت حقوقها  
کاری انجام دهد) و در تمام این مدت کاسه



**۴ ساعت کار در هفته برای کارگران**

لیسای همچون دفاعی و ادبیورسیدها هم موسوی پیش از باران با خود ایستاده و حرفهای آنها را تا ثبید میگرددند و ما هم فدای کار خود را باین از پیش روشن میساختند. ضمناً اینهم با بدیگوئی که در این روزها طرفداران خود را هر دو حال شرکت و تقاطع ورود و خروج کارگران بوسیله اعمال دفاعی اشغال شده بود در پی بیاینها نبودند تا با کارگران مبارزان انقلابی درگیر شده و حادثه آفرینی کنند. اگر مجاز با نسیم که محیط کارخانه را همچون نهی در نظر بگیریم، برخورد های فوق را هم میتوانیم همچون کودتا کرانی در نظر بگیریم که بعد از کودتا با سرکوب و بیکری و بیعتی، سعی می کنند مانع حرکات اعتراضی مردم شوند.

چرا اعتصاب به شکست انجامید؟

و باین ترتیب بود که کارگران فاستر و لبر مجبوری به عقب نشینی شدند. آنها اگر چه عقب نشینند ولی عقب نشینی نمیتوانستند بمنزله قدمی به عقب یا نداشتن بعد از زمینگیری اشتباهات و گامهای هر چه بیشتر و بهتر به جلو بپرند. اگر بخوانیم بطور خلاصه دلایل شکست پیروزی موقتی مقامات و مزدوران آنها را در اینجاست: ۱- کارکنان بسیار ریسنا و محدود و ظرف شوری هماهنگی در رابطه با مسائل درگیر در کارخانه.

۲- ارائه ندادن طرح شرکت ملی پروژه های طرف شوری هماهنگی و در نتیجه توجیه نبودن کارگران نسبت به طرح "شرکت ملی پروژه ای". ۳- برخورد احساسی با مسئله سیل و در نتیجه خالی ماندن عرصه برای تاخت و تاز کسانسی همچون "دفاعی ویا کلا" شوری اسلامی". ۴- نزدیکی شدن کسانسی همچون دفاعی به شوری هماهنگی و در نتیجه آنها از طرف شوری. ۵- نداشتن ارتباط نزدیک با شوری هماهنگی. ۶- نداشتن صندوق اعتصاب و در نتیجه وابستگی شدید به حقوق ما هانه. ۷- ارتباط نداشتن شوری هماهنگی با کارگران مبارزان و بیشتر کارخانه و در نتیجه استفا در نکردن از امکانات آنها چیست بیشتر در کارخانه.

۸- حضور نداشتن در جمع کارگران بعد از یورش مغول و ارسیده ها همسوی و همکارانش.

با این ترتیب می بینیم که با وجود اینکه کارگران فاستر و لبر - تهران جنوب از روحیه قوی مبارزاتی برخوردار بودند و شعارهای آنها این امر را نشان میداد، با وجود اینکه کسانسی همچون شیبانی و هیئت همراهش را با افشاگریهای خود "مات" کردند، ولی در مقابل یورش یک عده لومین و مزدور سرمایه - داران ساجم خود را از دست داده و سریعاً متلاشی شدند. علت این امر چیست؟ نجارب و مبارزات کارگران ایران و جهان در این زمینه کدام مسئله و رهنمود را نشان میدهد؟

بنظر ما مادی که کارگران یک شرکت واقعی دست در دست هم انداخته باشند و یک رهبری مرتبط با آنها و برخاسته از زمین آنها، آنها را هدایت نکند، همواره در مقابل یورش عوامل ارتجاع و فدا انقلاب، ضربه پذیر هستند. ما در مورد فاستر و لبر می بینیم که شوری هماهنگی از طرف کارگران انتخاب میشود و رهبری اعتصاب را هم در دست دارد ولی شوری اسلامی هم هنوز با برجاست. آیا شوری هماهنگی نمی بایست با تکیه بر پیشینیان توده های کارگران شوری اسلامی را منحل میکرد؟ آیا نباید هر چه بیشتر در جهت تشکیلات دهسی کارگران قدم برمیداشت؟ اگر قبول کنیم که مبارزه با کارفرما و دولت حامی آن، احتیاج بیک برخورد علمی و اصولی دارد پس اینهم با بد قبول کنیم که صرف پیشینیان توده های کارگران شوری هماهنگی نمیتوانستند حلال مشکلات باشند. این مسئله فقط یک قسمت از کار بود، قسمتها میباید که از قبیل انجمن شوری اسلامی، تشکیلات دهی کارگران، انتشار سریع طرح شرکت ملی پروژه ای، انتشار سریع و وسیع روزنامه بولتن هماهنگی، مساب، مسیروادان اشغال ساز و از روی یک نقشه حرکت کردن و تابع جریان خود بخودی و روزمره نشدن و... حرکتهای بعدی بود که متأسفانه بعداً آنها برداشته شدند و ایس اموریا بد مورد توجه کارگران فاستر و لبر قرار گرفته و در دور بعدی مبارزه با تجربه اندوزی از این عقب نشینی مرحله های ازنگوار آن جلوگیری کنند.

ما در اینجا باید بگریزیم که خود را از کارگران تهران با استرویلر (که امروزه

تاما کارگران پروژه ای چشمه آنها دوخته اند) اعلام کرده و اعمال استنادارو کام شرع... را محکوم کرده و اعلام میکنیم که مطمئناً با اقداماتی همچون اجیر کردن جانی بدست... نمیتوانند مبارزه کارگران تهران فاستر و لبر را متوقف کنند و در خانه با کسی که در جریان فاستر و لبر نقش مهمی در حمله به کارگران را داشتند اعلام کرده و از آنها مکارگران مبارزان انقلابی فاستر و لبر میخواهیم که تا آنجا که میتوانند این افراد را افشا و طرد کرده و مانع اقدامات بعدی آنها شوند.

بیرون دیا مبارزات حق طلبانه کارگران شرکت ملی پروژه ای (فاستر و لبر، تهران جنوب سابق) !  
مرکز برای میریالیسم و ارتجاع داخلی !  
(نقل با کمی تغییر از زمینه محلی بیکار شماره ۱۲ - کمیته خوزستان)

☆ ☆ ☆  
اخیار رسیده ها که بینه نبال مبارزات قهرمانان کارگران شرکت ملی پروژه ای و توطئه های عوامل ارتجاع در کارخانه آخر وقت روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۶ هنگام رفتن کارگران، چند نفر از افرادی بیرون و بیرون سریع تعدادی اعلامیه دیوار تخته ای نزد یک در خروجی نصب میکنند، این اعلامیه ها شامل حکم اخراج عده ای بود که یک دست سرورین میخوان آنها را بدو دسته تقسیم کرد.

دستمالف:  
۱- لیاقتی، ۲- محمد طویلی، ۳- طهمورت الوندی، ۴- کیا مرت سوری بوز این عده بجرم دزدی، ساواکی بودن، سوء استفاده و... اخراج شده بودند ولی در کنار نام آنها، اسامی کارگران مبارزی بچشم میخورده گسیاری از آنها چه در زمان رژیم شاه خا شن و چه بعداً زقیما مدارای ساخته

مبارزاتی درخشانی هستند، ارتجاع فریب کارانه و کوردانه میخواد هدایا اعلام اسامی کارگران مبارزان را مسواکینا و سو استفاده های زمان رژیم مزدور شاه چهره انقلابی و بیپیکار آنها را لوث نماید، و آنها را از یک قماش معرفی کند. اما کارگرانی که در طی مبارزات خود همواره این کارگران قهرمان را دوست داشتند خود دیده اند، فریب کاریهای عوامل ارتجاع را با وری کنند؟! حکم اخراج هر کدام از کارگران که به امضای خارقانی مزدور رسیده بصورت زیر است.

- آقای ...  
بموجب حکم دادگاه انقلاب اهواز بموجب این حکم شما از تاریخ ۵۹/۱/۱ اخراج هستید. امضاء - خارقانی  
اسامی کارگران مبارزی که اخراج شده اند بشرح زیر است:  
۱- رضا فریدنی، ۲- نادر کهنسال، ۳- سید محمد موسوی، ۴- منصور مرادی کا هکاش، ۵- عبدالجلیل عبدیان، ۶- نامر جوکار، ۷- ابراهیم عبدزاده، ۸- بهروز بنده زاده، ۹- علی نجفی، ۱۰- علی خامن مجزی، ۱۱- بهروز نوسادی، ۱۲- عبدالحسین جاسعی، ۱۳- حسین القاسمیور، ۱۴- هوشنگ باقریور، ۱۵- روشنائی، ۱۶- حسن بابادی، ۱۷- سید حسین الفتی، ۱۸- جهانگیر رحیمی، ۱۹- باقر عبدالمسی نی، ۲۰- نصرت الله امیری، ۲۱- مندی انجام، ۲۲- قدرت الله کما رنلا، ۲۳- ایرج کا هدیور، ۲۴- علی محمد کما، ۲۵- داوود ریوش دولت آبادی، ۲۶- فیروز مکنونی، ۲۷- کاظم کما رنژاد، ۲۸- کمال دوسری، ۲۹- خجسته فرزاتگان، ۳۰- سونیا شهنیا ن.  
خارقانی گفته است که این سری اول اخراجی هاست و بعداً قرار است با زمعه های را اخراج کند. در اخراج عنا صریحاً زانمن اسلامی صنایع فولاد، شوری تصفیه و ترکیه، شوری کارکنان صنایع فولاد، نیروی ویژه فاستر و موجود کثیفی بنا م بدهی تفتی با خارقانی شد که هر همدست بوده اند.  
ارتجاع بعداً ز عقب نشینی کارگران و با استفاده از تعطیلات عیداسامی افسراد اخراجی را اعلام کرده تا بگمان خود هنگام بازگشت کارگران موضوع کینه نهاده باشد. اما کورخوا شده است، تشکل و قدرت همبستگی بقیه در صفحه ۱۳

<p>تاریخ: ۵۸/۱۲/۲۶ شماره: ۳۳۳ پوست:</p> <p>شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع صنایع فولاد اهواز</p> <p>تاریخ: ۵۸/۱۲/۲۶ شماره: ۳۳۳ پوست:</p> <p>شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع صنایع فولاد اهواز</p> <p>تاریخ: ۵۸/۱۲/۲۶ شماره: ۳۳۳ پوست:</p> <p>شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع صنایع فولاد اهواز</p>	<p>تاریخ: ۵۸/۱۲/۲۶ شماره: ۳۳۳ پوست:</p> <p>شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع صنایع فولاد اهواز</p> <p>تاریخ: ۵۸/۱۲/۲۶ شماره: ۳۳۳ پوست:</p> <p>شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع صنایع فولاد اهواز</p> <p>تاریخ: ۵۸/۱۲/۲۶ شماره: ۳۳۳ پوست:</p> <p>شرکت ملی صنایع فولاد ایران مجمع صنایع فولاد اهواز</p>	<p>عمرمانه</p> <p>وزارت صنایع و معدن</p> <p>بازگشت بنامه شماره ۱۲۱۶/ح مورخ ۲۵۲۷/۳/۲۳</p> <p>در مورد معرفی آقای داود خارقانی معاون مدیرکل دفتر برنامه ریزی معدنی آن وزارت بمنوان افسر امور معدنی و بیرخانه سازمان پیمان مرکزی خواهشمند است دستور فرمایند هر چه بود تر شماره لیست و ردیف صلاحیت نامبرده را به اداره همکاریهای بین المللی وزارت امور خارجه اعلام نمایند تا نسبت به اخذ برگ صلاحیت ویژه جهت دسترسی ایشان به اسناد مستوفی اقدام شود.</p> <p>وزیر امور خارجه</p> <p>سند شماره ۲</p>
--	--	---

حق بیمه بیکاری هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

# خلق‌ها و مسئله ملی



## متینگ و دادگاه خلقی در سنج برای مبارزه با اعتیاد

کرده بودند و در اثر این کار بر سر جاده دیوار شده بود. مردم در راه با این شخص حکم اعدام را درست دانستند و در ضمن پدر بر سر جاده صحب کرده و خواستار اجرای حکم کردند. شخص دوم بی‌آه و فزونی بود این شخص را ندانده باید یک بوده که مافی کردن هروئین زیر پا را تحریر. آنرا از همدان به سنج و از آنجا به تهران می‌فرستند و از آنجا به سنج می‌فرستند و از آنجا به سنج می‌فرستند و از آنجا به سنج می‌فرستند.

جنیدیست (از حدود ۲۶ اعتیاد به بعد) که در سنج در راه با این شخص حکم اعدام را درست دانستند و در ضمن پدر بر سر جاده صحب کرده و خواستار اجرای حکم کردند. شخص دوم بی‌آه و فزونی بود این شخص را ندانده باید یک بوده که مافی کردن هروئین زیر پا را تحریر. آنرا از همدان به سنج و از آنجا به تهران می‌فرستند و از آنجا به سنج می‌فرستند و از آنجا به سنج می‌فرستند و از آنجا به سنج می‌فرستند.

## قتل عام روستای «قله‌تان» بوسیله ارتش و پاسداران

● حتی پیرمرد ۱۱۰ ساله و نوجوانان ۱۵ ساله را نیز کشتند!

در آنجا یک ارتش از قندهار به سمت استو به حرکت کرده و در سر راه خود به دهات کناره راجه دیوار تن برده و به قتل و غارت پرداخته بودند. پاسداران در زیر حمانت تا تک‌ها که مرتب سینه‌های اطراف ده «قله‌تان» را به توب می‌بستند و رانده شدند.

قبل از ورود پاسداران به سنج که پاسداران به سنج راه می‌رفتند، در آنجا یک ارتش از قندهار به سمت استو به حرکت کرده و در سر راه خود به دهات کناره راجه دیوار تن برده و به قتل و غارت پرداخته بودند. پاسداران در زیر حمانت تا تک‌ها که مرتب سینه‌های اطراف ده «قله‌تان» را به توب می‌بستند و رانده شدند. قبل از ورود پاسداران به سنج که پاسداران به سنج راه می‌رفتند، در آنجا یک ارتش از قندهار به سمت استو به حرکت کرده و در سر راه خود به دهات کناره راجه دیوار تن برده و به قتل و غارت پرداخته بودند. پاسداران در زیر حمانت تا تک‌ها که مرتب سینه‌های اطراف ده «قله‌تان» را به توب می‌بستند و رانده شدند.

- ۱- رفان و منشا
- ۲- حاج سید حسن قدسی
- ۳- حاج محمد جواد باقری
- ۴- حاج رسول عبدالله مصطفی
- ۵- عبدالله جوکل قربانی
- ۶- عثمان درویش سلیم
- ۷- محمد کرد
- ۸- عثمان آمانی
- ۹- محمد امین عباس
- ۱۰- حسن حمزه کوه
- ۱۱- جلال بیدوخ
- ۱۲- عبدالله آغلیانی
- ۱۳- اسماعیل حمیدی
- ۱۴- قادر کوروستی
- ۱۵- رفان متینه مورک
- ۱۶- احمد کلانی

اسامی ۴ نفر دیگر و همچنین اسامی ۵ بیهوشگر شهید (۱ بیهوشگر کوه لوله و ۴ بیهوشگر دمکرات) نیز هنوز بدست ما نرسیده است.

بهدنبال این بیخ سرتاسری در سنج به شنبه ۵۹/۱/۱۵ در جلوسان تختی میتینگ و دادگاه خلقی با شرکت مردم مبارز سنج در رابطه با محاکمه عاملین فروش مواد مخدر برگزار گردید. این قدمی است در راه هر چه گسترده‌تر کردن جنبش مقاومت خلق کرد.

این دستاورد میتینگ ندمت محکمی با سند برده‌ان یا وه‌گوییان هیئت حاکمه بخصوص آقای رئیس جمهور که در دادگاه دیوتولویزیون انحصار یافتن گشته بود که این روزها می‌توان متعجبانه در سنج دستگیری کنند. لایبند آقای رئیس جمهور را ملین فروش مواد مخدر را سلیمانان متعبد می‌دانند. پس دروغ بردار زبانی هیئت حاکمه هر چه بیشتر چهره فریبکار را نشانده‌ان را در برابر توده‌ها روشن تر خواهد کرد. مخصوصا که این روزها مسافرین شوروی در سنج با چشم خود واقعیت‌ها را می‌بینند.

نقرا ت سومو چهارم رفوف جمعیدهی وحی - الدین غزل‌خرده فروش تشخیصی داده شد و قنار سد در این مورد تحقیق بیشتری شود. در بیان از طرف یکی از کارگران مبارز که خانه‌های تهران و مسافرین بوشهر و چند شهید بگریپا م اعلام همبستگی خوانده شد در ضمن عوامل اصلی اینطور تشخیص داده شدند.

- ۱- امیریا لیسام آمریکا ۲۰ - دریا بهلولی،
- ۲- اشرف بهلولی، ۴ - غلامرضا بهلولی
- ۵- محمد قسری، ۶ - محمد ملکی، ۷ - مرتضی سنگ تراش (عوامل ۵ و ۶ سنجی هستند)
- توضیح: مرتضی سنگ تراش، سنگ تراش بوده در اثر این شکل کارخانه سنگ بری خرید کرده در جریان بوشهر هیئت حاکمه به گردستان کارخانه سنگ بری راه مبلغ ۳ میلیون به جها داس زندگی فروخته است
- محمد قسری: قبلا شاگرد قهوجی بوده و اکنون چند تریلی و دکان دارد.
- محمد ملکی: قبلا شاگرد آهنگر بوده و اکنون صاحب کارخانه آهن بری و غیره ۱۰۰ است.

برنا ما با سیماتورای موسی محلات شروع شد و بعد با جمعی از معتادین که تازه ترک اعتیاد کرده بودند خواستند، در این پیام از مردم تقاضا شد که در راه محاکمه‌های مادی و معنوی به سنج و توراهای از هیچ کمکی دریغ نکنند. در ضمن در بیان آمده بود که اعتیاد میتینگان در چنین جاهای که ماریتین کن بود، به سنج نرسانند تا این که تازه ترک اعتیاد کرده‌ان به سنج متفرقه صحبت کردند. آنگاه دادگاه شروع به کار کرد، نخست جمال و استگان در حضور مردم به محاکمه گشته‌اند. این فردمت هم به نجات و زبیه سربچه‌ای بود که معقدش را با طرا کذاری هروئین بسزرک

## درگیری در اطراف ارومیه

## توطئه ارتجاع را افشاء کنیم (خرمشهر)

در ادامه تحریکات رژیم برای شروع حمله دیگری به گردستان در مناطق کردنشین اطراف ارومیه ارتش خلقی به همراه ملاحی متوجه ارومیه و با نیا محلی و جاشهای خود فروخته علیه مردم ستم‌دیده کرد و بیهوشگرها فعالیت می‌کنند. آنها هر روز با زهم بیشتر صلح می‌نویسند. آنها تلاش می‌کنند به نایه‌های مختلف دیگری ایجاد نمایند. طبیعی است که مردم و بیهوشگرها نیز از خود دفاع می‌کنند. بهین علت روز یکشنبه ۵۹/۱/۳ بین بیهوشگرها و جاشهای خود فروخته در "رازان مرگور" و "دوله بیسان" در محال "دشت ودر محال" ترگور در "روستای میرآباد دوسیلوانا" درگیری پیش آمد. در این درگیری‌ها که همان روزی با نیاقت خالد بیک سر کرده جاشهای روستای "دوله بیسان" فراری شد و خاندار با مقر نظامی بیهوشگر - های دمکرات - کومه له و بیگار رسد. در رازان که مقرار با بیجا و جاشها و ارتش و قباده موقت است درگیری با تیواناندازی از جانب سید موسی کیلانی زاده رباب رازان شروع شده رباب و جاشها با خمپاره و تیراندازی بیهوشگرها مورد حمله قرار دادند. در آن تیراندازی مرتجعین و نفرا از هالی ده که گشته‌اند. پس از نیم ساعت درگیری بین بیهوشگرهای دمکرات و جاشها ۲۴ ساعت اعلام آتش بسسند که پس از آن بیهوشگرهای بیگار محمل را ترک کردند.

طرف روزهای یکشنبه تا سه شنبه ۷ افسند ما در حدود ۷ نفر از جوانان خلق مسرب دستگیر شده‌اند. در بین دستگیرشدگان "عبود" دبیر کارتون فرهنگی و وهاب مهدی، عمرو... وجود دارند. این افراد را بر جرما ارتباط با حادثه بمب گذاری در خرمشهر که خسارت داد و نمرد و قتل چند نفر کردید دستگیر کرده‌اند. نشانه‌های با رزی وجود دارد که حکم حکومت این افراد را بر اساس سابقه میا- رزانی آنها را در خوا هند کرد. ارتجاع حاکم با زهم در تلاش است تا عده‌ای از جوانان مبارز خلق عرب را بر اساس آنها مات واهی از قبیل بمب گذاری... به جوخا عدا همسپارد. ما همچنان که با رها اعلام کرده ایم این حوادث و نظائر آن را از سبب بگ گذاری در قطار و باز ارسیف و مجامع عمومی بیخ و جهنمی - تواند کار فرزندان مبارز خلق عرب باشد. بنظر ما این حوادث ساخته و پرداخته عوامل مرتجع محلی که تحت نفوذ رژیم خلقی است عراق قرار دارند و بیادویان ناشی از اختلافات مقامات حکومت محلی خوزستان (بخصوص در زمان مدنی جلال) می‌باشد.

ما از قبل در باره اقدام احتمالی این مبارزان با خلق عرب و مردم مبارز خوزستان هندار داده و هرگونه محکومیت آنها را از طرف دادگاه‌های به اصطلاح انقلابی از قبیل محکوم می‌کنیم. ما از تیروهای آگاه می‌خواهیم با افشای این عمل و حمایت از مبارزان دربند مانع تکوین توطئه احتمالی بر علیه این مبارزان شوند.

(بمنقل از مجله محلی بیگار، شماره ۱۲ کمیته خوزستان)

## اعلامیه جامعه زنان مبارز سنج بناسبت سالگرد نوروز خونین سنج

● یاد شهیدای "نوروز" سنج را گرامی باداریم

در این اعلامیه نخست به جنگ خونین سال گذشته سنج که توسط رژیم جمهوری اسلامی بر راه انداخته شد، و به قهرمانیانی که خلق دل‌اوری کرد در ریکال گذشته از خود نشان داد، اشاره شده و سپس آمده است که:

میزیکال از جنگ تحمیلی و خونین سنج می‌گذرد و دریا در یک مرد مبارز سنج تا هدایت کرد جنگ تحمیلی و خیانته‌های دیگری از طرف رژیم حاکم، ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی، اودا رودسته‌های معلوم الحال میباید. دستگای ارتش طمع می‌ورزید و جاشهای فدرم می‌صحت از زخمی و کشته‌شدنهای تعدادی از مردم سنج و حمله به مساجد می‌کنند و در یک سر تا دمکرات ارتش و لشکر ۲۸ سنج مردم شهید را تهدید می‌کنند.

هیئات خیال باطل که خلق مبارز،

## جنایت فجیع جاشها و تظاهرات ۷۰ هزار نفری در سنج

و حبسگری جاشها را نه‌ای حتی از مسزوران ساواک نیز ساخته نبود.

روز ۵۸/۱۲/۲۴ مردم مبارز سنج طی یک تظاهرات عظیم ۷۰ هزار نفری چیسازه شهید قسری و همچنین داربوش‌رانی از بیهوشگران کومه له را که در جنگ کامیا را بشهادت رسیده بود، با شکوه تمام تشییع می‌کنند.

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌هاست

# درباره "رفرم ارضی" هیئت حاکمه - ۲ -

با کسترش جنبش دمکراتیک دهقانی، تندبیدماریها را تا رگران، زحمتکاران و خرد - بورژوازی دمکرات در شهر و روستا که شگاف در با لودر هیئت حاکمه را بدنبال داشت، در زمینه سیاست ارضی نیز راهی از عناصر خرد بورژوازی هیئت حاکمه (رضامفغانی (۱۰۰) فرمت یا فتنه‌سایان ارضی خود را در برابر سیاست لیبرال آنها تا حدی طرح و پیش ببرند. کرچه هنوز سیاست ارضی حاکماتی از سر تا سر مبارزه جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر سر این مسئله با بند در دست نیست (۱) ولی بویژه پس از حوادث اخیر ترکمن صحرا بنا به دلایلی که شرح خواهیم داد، بنظر میرسد این سیاست جدید ارضی بیشتر از پیش در دست راکرد دولت قرار میگیرد، اینکه دولت بتواند نسبت خود در زمینهای ارضی بهیچ برود و تنبید نماید یک فرض ممکن است. اما با فرض اینکه هیئت حاکمه سیاست ارضی جدید را در تمام مناطقی که در آنجا مابعد (یعنی حداکثر ظرفیت بورژوازی لیبرال) سعی می‌کنیم ما هیئت آنرا توضیح دهیم.

موجب این لایحه زمینهای که قبلا مصادره شده در اختیار دولت قرار میگیرد. زمینهای مصادره شده زمین داران بزرگ، در صورت باری بودن در اختیار دولت قرار می - گیرد و ارضی در آنجا در صورتی که کشت توسط خود آنها انجام نمود یا توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی به آنها زده شده اما لگان محل به آنها زمین داده میشود و در صورتی که کشت کننده مقرر دیگری باشد، در صورت واجد شرایط بودن زمین به آن شخص واگذار میشود و مالک زمین یا توافق می‌نماید ارضی محل دیگری را در مقابل زمین متصرفی خود در اختیار گرفته و یا اجرت المثل بگیرد و سپس بقیه زمینها را در اختیار دولت قرار میگیرد.

دولت زمینهای را که در اختیار خود دارد بطور مشروط به افراد و کارگران میگذارد، و اگر زمین به روستا شای بدون زمین کمزمین و فارغ التحصیلان کشاورزی و علاقه مند یک کار کشاورزی انجام میدهد، از تعیین حق تصرف زمینهای دیگر غیر از آنچه "دولت اسلامی" به آنها داده است ندارد، و اگر کسی برای مدتی معین (چند ساله) اربا توجه به شرایط خاص منطقه بوده و در صورت عملکرد مطلوب و گذاری زمین تمهید میشود، زمینهای واگذار شده به صورت شرکت تعاونی و مشاع میباید (جز در موارد استثنائی) با تصمیم هیئت ۷ نفری انتقال زمین با اید طرف دولت صورت گیرد زمینهای واگذار شده قابل فروش نمی باشد ترکیب هیئت ۷ نفری عبارت است از: نفر از وزارت کشاورزی، یک نفر نماینده وزارت کشاورزی استان، نماینده محل، یک نفر از جهاد سازندگی، یک نفر نماینده دادگستری یا دادگاه انقلاب و ۲ نفر نماینده شورای ده.

قابل احیا به آنها را منوط کرده است. مقدار ارضی واگذاری "با توجه به نیاز و توانائی و مصلحت جامعه توسط دولت تعیین میشود"، کسانیکه زمینهای مصادره شده و یا دولتی را دریافت می‌کنند به فوج منحصی شده اند و یا از عبارات کنده "رواجند بهلو مثل" با توجه به مصلحت جامعه "موردا" استفاده در اوقات بزرگ بطوریکه ملاحظه می‌شود زمینداران بزرگ میتوانستند برای زمینهای مصادره شده خود "اجرت المثل" یا غرامت بگیرند و یا زمینهای دیگری را تحت تصرف در آورند، مگر گذاری زمینهای آباء و اجداد موقوف شده و اراضی زمینهای دولتی و مصادره شده قابل کشت و واگذار نمیشود. از دهقانان دعا و رفرم و مسکنست میتوان انتظار داشت که این ارضی را بزرگ کشت برد؟

● به اعتقاد ما سیاست جدید ارضی در برنامه هیئت حاکمه بعنوان یک آلترناتیو (شق دیگر) در مقابل با ایتکار انقلابی توده های دهقانی منظور گشته است و بی جهت نیست که اعلام این سیاست جدید در قیقا با سرکوب شوراها و دهقانی ترکمن صحرا منظور گشته است.

● کمونیتها همواره از محتوای ازمکراتیک جنبش دهقانی حمایت می‌کنند. کمونیتها همواره از خواست مصادره ارضی زمینداران بزرگ که یکی از پایه های حکومتها و وابسته به امپریالیسم می باشد حمایت می‌کنند. ما خواهان مصادره ارضی زمینداران بزرگ و سپردن آن به شوراها و دهقانی به مثابه ارگانهای قدرت توده های هستیم.

ارضی دقیقاً با سرکوب شوراها و دهقانی ترکمن صحرا صورت میگیرد. کمونیتها خواهان دولتی هستند که ارضی را به کارگران و دهقانان بخرید و بولی بورژوازی خواهان شوراها و دهقانی است که مضمون دست نشانده دولت سرما به داران باشد. شوراها و دهقانی که در صورت تنبید این جزئی جزمها از انجمنهای روستائی شده است نخواهد بود.

ارضی دقیقاً با سرکوب شوراها و دهقانی ترکمن صحرا صورت میگیرد. کمونیتها خواهان دولتی هستند که ارضی را به کارگران و دهقانان بخرید و بولی بورژوازی خواهان شوراها و دهقانی است که مضمون دست نشانده دولت سرما به داران باشد. شوراها و دهقانی که در صورت تنبید این جزئی جزمها از انجمنهای روستائی شده است نخواهد بود.

ارضی دقیقاً با سرکوب شوراها و دهقانی ترکمن صحرا صورت میگیرد. کمونیتها خواهان دولتی هستند که ارضی را به کارگران و دهقانان بخرید و بولی بورژوازی خواهان شوراها و دهقانی است که مضمون دست نشانده دولت سرما به داران باشد. شوراها و دهقانی که در صورت تنبید این جزئی جزمها از انجمنهای روستائی شده است نخواهد بود.

۱ - بردن ارضی بیشتر بزرگست از طریق واگذاری زمینهای با بیروموات تحت عنوان احیا ارضی، به سرما به داران.

۲ - بورژوازی کردن کامل نظام ارضی از طریق واگذاری ارضی زمینداران غیر بهره بردار به بهره برداران مستقیم.

۳ - اعطای امتیازات فراوان به زمینداران از قبیل واگذاری زمینهای دیگر در ارضی ارضی تقسیم شده آنها بویژه پرداخت اجرت - امثل (غرامت) - همچنین با گذاردن راه فرارهای فراوان تحت عنوان مصلحت جامعه، صوابدید هیئت ۷ نفری، کلنگهای فراوان زمینداران از قبیل اعلام زمینها بصورت مکانیزه ارضی را بنا مفرزند ان خودگردان و ...

۴ - انجام اطلاعات از طریق بوروکراسی که اعمال هر نوع نفوذ و دزدی را بوسیله زمینداران بزرگ برای حفظ امتیازات خود بازمیگذارد.

۵ - کسترش و تحکیم دستگا بوروکراتیک و ماسی سرما به داری دولتی.

کمونیتها در شرایط کنونی جامعه و قبل از ایجاد جمهوری دمکراتیک خلق و در شرایط وجودیک دولت فدا انقلابی شما رملی کردن زمین را مطرح نمیکنند، ملی کردن زمین در جنبش شراعی به تحکیم قدرت بورژوازی دمکراتیک دولت منجر گشته و توده های دهقان را در برابر بوروکراسی گرفتار نخواهد کرد (۲) تنها شما رملی در جنبش شراعی مصادره ارضی زمینداران بزرگ، مصادره کشت و صنعتها و شرکتها و سایر ارضی و سپردن این ارضی و تناسبات به شوراها و دهقانی و شوراها و کارگران میباشد.

بورژوازی می‌تواند سیاست بورژوازی کردن کامل نظام ارضی را پیش برد، ولی این سیاست حداکثریاً فرضی است و نمیتواند به حل مسئله ارضی برسد. به سرکوب و قلع و قمع توده های دهقان و کارگران روستا و تنبید بردهای دهقانان تنبیدست و کارگران روستا بردهای ارضی را به منتهی کرده، حتی در صورت توفیق بورژوازی در تنبید روستا ارضی خویش و حل مسئله ارضی بشیوه خاص خود این امر در نهایت به کسترش مناسبات سرمایه داری در روستا و شتاب گرفتن روند بولتوریزه شدن دهقانان تنبیدست و میان حال منجر خواهد گشت. کمونیتها همواره ارضی را قبل از هر چیز بیاترک منافع بولتوریزه شده در هر چه در روستا و وظیفه کمونیتها قبل از هر چیز با زماندهی کارگران روستا است.

در انقلاب دمکراتیک خدا میریالیستی، کمونیتها با کارگران روستا را به حمایت از خواستهای دمکراتیک و فدا میریالیستی دهقانان فرا میخوانند ولی هیچگاه از توضیح این امر غافل نمی باشد که منافع کارگران در زمین بردن مالکیت بورژوازی بطور کلی است. اگر بورژوازی مسئله ارضی را به شیوه خود یعنی سرکوب توده های دهقان، سلطه سرما به بوروکراسی حل نماید، برنا کسه کمونیتها فقط دعوت دهقانان تنبیدست به اتحاد با بولتوریزه روستا را در مقابل امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود، ولی اینکه آیا سیاست - مداران بورژوازی رفرمیست توده ها بتوانند مسئله ارضی را با سرکوب توده های دهقان حل نمایند، با حل نهائی مسئله ارضی بستگی ندارد. دمکراتیک و توسط دولت مبنی شوراها و انقلابی کارگران و دهقانان انجام گیرد، مسئله است که آینه دهقانان خواهد بود.

فقط میتوان گفت که سیاست جدید ارضی دولت نه تنها تنبیدست شدن فاعلهای بسیار دارد بلکه با اید رجزای مابین بوروکراتیک و کمونیتها نیز نفوذ زمینداران بزرگ و سرما به داران را وابسته ارضی قرار میگذارد، اعمال کمونیتها در مقابل مخالفین با توجیهی از جانب محافظین نیرومند داخل و بیرون هیئت حاکمه صورت میگیرد که سرنوت نهائی آنرا زیر علامت سؤال قرار میدهد.

(۱) - بعنوان مثال آیت الله روحانی و شیخ مخالفت شدید خود را با این طرح اعلام کرده و توصیه متوقف شدن آنرا کرده اند. بهر حال آنچه مسلم است این است که طرح جدید سیاست بورژوازی - رفرمیستی بنی مدراربا خود دارد.

(۲) - این (دولتی کردن ارضی کشاورزی) دقیقاً همان چیزی است که علیرغم نیت خیر - خواهانه عناصری چون رضا اصفهانی و بستنیانی برخی از نیروهای کمونیتی از آن در شرایط حاکمیت فدا انقلابی بورژوازی اتفاق می‌افتد. اما تا در طرح اصفهانی نیز دولتی کردن ارضی کشاورزی بوضوح ذکر شده است که دقیقاً سیاست نگر منافع خرد بورژوازی است که میخواهند خواستهای توده های دهقانی را برای مصادره املاک بزرگ با منافع بورژوازی بیوند بزنند.



## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

**تور انقلابیون همچنان ادامه دارد**

● حمیدرضوان مهندس شیخی و کارمند سابق شرکت نفت بخارا را از میزبانی دست برداشته است.

بدنبال چندین ترویجیابی انقلابیون در کنگرماناه ایران بشهر... توسط سیا با هدف اران، انقلابی دیگری بنا محمد رضوان، مهندس سیمی و کارمند سابق شرکت نفت بطرز مرموزی ترور شده است. در همین رابطه... خانوادهمیثدا مذای خطاب بدرئیس جمهور نوشته و ضمن افسانی این جنایت هولناک از او خواسته اند تا هر چه زودتر اعلامیه ای در این بابت را معرفی و مجازات کند.

حکایت از اینجا دیگر فضا جو تا ما سعدونا یبعه برکتی می نمود، پس از زور دمان به قزوین در سطح شهر تاج نده بود که یک مهندس شیمی را کشته اند و خودش در سردخانه است. در این جا غرض این نیست که صرفا با استفاده از یک نامه یا بعدا اعلامیه نمیکند همه گفته ها در باره تصادف و غیره کذب است. زیرا ما در تمام مراحل تحویل جسد و غیره با بریداری و اعتماد به گفته های بزرگ قانونی و مسئولین حسینی حویلی را به نسبت رسا ندیم، اگر هم مطالبی بود همان بود که خواهان جگونگی و علت باز نداشت بودیم. اما پس از انتقال جسد به سونستر و تنظیف در هنگام مستوی جسد ما وارد مشکوک و علائم و زخمهای متعدد شرح زیر مواج گردیدیم:

- ۱ - آثار رگبندی ناشی از سه ضربه در سمت راست صورت.
- ۲ - لکه کبودی شکل هلال بر روی صورت که در اثر ضربه نیشتی غیر برنده ایجاد شده.
- ۳ - سوراخ در سمت چپ صورت.
- ۴ - شکاف تنگی سرکه قیلا بخیه تده بود.
- ۵ - بریدگی پشت گردن.
- ۶ - جای کبودی زیا در ریه است.
- ۷ - آثار خراشیدگی روی ج. با. و این مناهدات ما را بر آن داشت اندکی عمیق تریه مسئله بیندیشیم، سوالات متعددی در اینجا برای ما مطرح است ما ممانعه ای نداریم که به دستان انقلاب سونستر و دستان کل کشور نوشته ایم خواهان سونستر و این موضوع و با سخوتی به سوالات خویش نده ایم، او زخمه برادران و دوستان و آشنا... یا با و زخمه نیروهای انقلابی خواهان باری رساندن در جهت روشن شدن این مسئله میباشد.
- ۸ - سوالات:
- ۱ - حمید چرا و چگونه و به چه دلیل دستگیر شده است.
- ۲ - در شرایطی که در همه جاها فریاد اعتراض به دستگیریهایی بدون مجوز و دلیل است، آیا دستگیری حمیده امری استانی بوده است؟
- ۳ - آیا در تمام مدتی که حمید در زندان بوده سستی نده که بطریقی با خانواده و تماس بگیرند؟
- ۴ - توضیح داده شود که حمید در زندان تحت چه شرایطی بوده و توضیح دهند که آیا همه آثار روغلائم و جراحات کینه و جسد بر سیریک حمید ناشی از تصادف بوده است؟

**کارکنان ساواک منحل در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کرده و خواستار عیدی و پاداش شدند**

روز گذشته کارکنان ساواک و منحل و تعدادی از خانواده های متوجه این سازمان در توضیح گفت: اینها همه ایستادگی ها و خدماتی است که در عین حال با سواک کرده و خواستار گرفتن عیدی و حقوق بودند. خانم دیوژ خانوانه کارکنان معین و کارکنان ساواک منحل قریب میزند اما حقان را میخواهیم! یکی از کارکنان ساواک میگفت: از همه آنهاست که به نخست‌وزیری مراجعه میکنیم و کسی به کار ما رسیدگی نمیکند. شخص دیگری که به اینها خوش آثار کججه بروی منشی باقی مانده بود بیان مامور باقی گفت: آیا با سابقه پانزده سال خیاست مکتول کردند.

می بینید که ساواک و کیا "حق" نماند را می - خواهند، عیدی و پاداش می طلبند و مغرورانه اظهار میدارند که ما نسبت را آنها در کشور حفظ کردند!

بنظر شما اگر بنا بر این کار ساواک، سیاست "ترجمه بزرگ" تیزندادن "را" از رژیم جمهوری اسلامی ندیده بودند، اگر سیاست "سنگ" را بستن و سگ رها کردن "را" از این رژیم نسیب نبودند، اگر همچنان منتضای هر که کرده است - کسان و سلاحهای آنها مثل یک توده های قیرمان روزهای قیام بهمن ما را بر سر وسینه خود می دیدند هرگز چنین جراتی نمیکردند؟ بنظر شما اگر آنها نمی دیدند که بسیاری از اقدامات سرکوبگرانه آنها امروزه در علیه خلق های کرد و بلوچ و عرب... و نیز علیه کارگران و دهقانان و نیروهای انقلابی و کمونیست پایه شده است، چنین جراتی بخود میدادند که طلبکاران آنها را بشویند؟

زنگهای خطر علیه نیروهای انقلابی و کمونیست، علیه کارگران و زحمتکاران، علیه توده های مبارز، که ما را در این روزها بر سر زندان می آید، از همه گریز نکنند و گریزی نگیرند بعد از آمدن آنها، آمریکا در دلش قنصلد آب میسودم و ترجیح منطقی به عملکردها و جسم - انداز آنها را در رژیم میدادند، به غیر زبیرا روزها ما را اسیرا به جاب کویت مورخه ۱۹۸۵/۱/۲۱ توجه کنید:

"احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی (که در سرپرستی به آمریکا معروف هگان است) نسبت به سیاست آمریکا در ایران چنین گفت: " اگر آمریکا آنها را حفظ رژیم جمهوری اسلامی ایران غفلت کند، جیب ایران چنان درسی به آنها خواهد داد که آنرا هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم ایران مهلت دهید که جنگ آید یا جیب ایران است و امید میدارند که بدون کمک خارجی بتوانند جیب را سرکوب کنند. " راستی زکی یمانی، این جاسوس آمریکا و دشمن خلقهای منطقه، چه منافع مشترکی با رژیم ایران دارد؟ و چرا هر دو اینقدر از جیب میترسند؟ آیا ادعای مبارزه با آمریکا را میتوان از سرمداران رژیم باور کرد؟ و آیا اینهمه حمله به نیروهای انقلابی و کمونیست در جریان انتخابات و در آغاز سال نودریا مبارزه آیت الله خمینی و دیگران را به چه چیز جز یک توطئه ضد انقلابی، جز خدمت به مبریا لیسیمچانی و سرما پیداران وابسته که جیب دشمن در حال و آشتی نا پذیر آنهاست میتوان تعبیر کرد؟ آری شما یک راهبانی است: همنیاری هر چه بیشتر، آگاه کردن هر چه بیشتر توده ها و شکستن توجهاات آنها، با ما زنده می سازد کارگران و زحمتکاران، اما ما زنده و عوام سازن تا آخرین نفس! و مسلم است که پیروزی از آن کارگران و زحمتکاران و نیروهای انقلابی و کمونیست خواهد بود.

**بقیه از صفحه ۱**

فرمان عفو...

است آیت الله خمینی از فتوای شرعی همیشه در این راه استفاده کرده و توده های ساواک را به باطاعت کور و مطلق از این ارگانهای سرکوب و فرما نبردار می خواند و دعوت نموده و از عواقل بنا فرمانی در این دنیا و آن دنیا "ترسانده است. سراج و حمله وحشیانه به کردستان، حمله به نظامات و راه هیما نیهای و نیروهای مترقی دامن زدن به کینه توزی علیه نیروهای انقلابی و کمونیستها و به زندان انداختن و عداوت پرورتن آنها و صدها اقدام انقلابی دیگر همگی با همین وسیله و همین هدف انجام گرفته است. همه بیاداریم که طاعت از دولت خائن با زرگان "طاعت از خدا و رسول" شمرده شد و فرما نبردار می خواند که طاعت از خدا و رسول شمرده است. "واجب شرعی" تلقی گردید.

سرما به داران لیبیرال بهترین استفاده را از این فتواها کردند. با زرگان، مدنی و با لاف زبیری و دروغتنی از امنیت حرف میزدند قبل از هر چیز عفو و کیا و دیگر خائنین به خلق را خواستار میبودند. لیبیرالها از ادعا که انقلاب کده را بابتدای امری طرح و جوهری عتفا سردمگرات در دوران آن به برخی اقدامات انقلابی دست میزدند و گله و شکایتها را شمرده و سرانجام بهیشتیها موجب طردن عناصر از دادگاهها شدند.

از همان فردای قیام سهل گیری نسبت به ساواک و کیا و نکتجه گران و "با زکوردن در رحمت و عفو" بسوی آنها و در عوض حمله به نیروهای انقلابی وروا نده کردن سیل تهمتها بسوی آنها ن آغاز شد. هم اکنون طبق اطلاعات موثق صدها تن از کارگران مبارز، کمونیستها و نیروهای انقلابی در زندان های رژیم جمهوری اسلامی بر سر میزنند. اما ساواک و کیا و عتفا از آدمکین رژیم گرفته دستها دستها از آزاد میسوند، بسواک بر میگردند و این در حالی است که به بسیاری از مبارزین و انقلابیون جان برفک دور نه کارا داده نمی - شود و یا آنها را خارج از آید میدهند. خارج میکنند به زور آنها را با زبیرا نشسته مینمایند و تصفیه ارتش از عتفا آمریکا و شاهجای ارتش نظیرها فرمان ویرسند و در جسد داران ارتش را داده است. جمران و یا ندها و به چنین با کسای در ارتش مشغولند و اعظم لقا نسبی

با اختیار را که در روز ارت آموزش و سرور ش بدست آورده جاسوسان خود را بنا مکتا بدار به مدارس میفرستند تا با ایجاد یک محیط تفهین عقاید قرون وسطائی آموزگارگان و دبیران مترقی و دانش آموزان آگاه و مبارز را و از خارج کنند. آنها حتی برخی از مدارس را منحل نموده اند تا در نسبت نام مجدد، دانش آموزان آگاه و مبارز را نپذیرند.

آیت الله خمینی با فرمان عفو شب عید برای عملکردها صحت دارد. تذکر این نکته لازم است که ما نمی گوئیم هر کسی که بنوعی در ساواک و نظیر آن کاری داشته باشد یا با دیدم بریا رخته شود، شیوه انقلابی در برخورد با تافته های رژیم گذشته است که هر کدام بر حسب مسئولیتها ی کوچک یا بزرگی آنها داشته اند تنبیه شوند (دوربرد برخی از آنها این تنبیه به سرحد ادا میزند و از آنها طولی - المدت یا بدرسد) اما متضامان از آنها ن گرفته شود، به کارهای دسوار تولیدی گما رده شوند و برای آنان زمینگارتربیت مجدد فراهم آید.

اما در رژیم جمهوری اسلامی بهایسان عفو می خورد بطوریکه آفتقد "شیرنده اند" که در جلوی نخست وزیری تظا هرات بر آدمی - اندازند. به این خبر از کیا ۲۸ اسفند توجه کنید:

**کارکنان شرکت مخابرات خواهند برکناری وزیر خود شدند**

سواری مرکزی شرکت مخابرات ایران، مورد اعتماد و پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق کارکنان شرکت است، اخیرا از طرف مقامات شرکت و بخصوص وزیرست و تلگراف تحت فشار قرار گرفته است. آقای وزیر تنها کتون بهر دوری زده تا این سواری را از بین برده و جای آن را بیک سواری فرما نسبی و گوش فرمان و مطیع بسپارد. دستگیری و اخراج و تهدید اعضای نمایندگان سواری نتوانسته تزلزلی در اداره کارکنان مبارز شرکت و خواستهایمان منشی بر برکناری وزیر و بازگرداندن کارکنان اخراجی وارد کند. آقای وزیر با حربه جدید هیئت کارکنان یعنی "با کسای میخوانند و شرکت کارکنان مبارز خلاص شود، کاری که در همین شرکت و در او را در مقابل اعتراض متدانه کارکنان شرکت عملا با شکست مواج شده است. بر کارکنان مبارز شرکت است که ضمن فشرده تر کردن صفوف خود، با یخن اعلامیه و... صدای حق طلبانه خود را بگوش دیگر هموطنان رسانند و ما هیت واقعی خائنین بخلق را هر چه بیشتر افساء کنند.

**راهبیمانی در اعتراض به لنو انتخابات در شهرهای کردستان و ترور انقلابیون**

روزیکشنبه ۵۸/۱۲/۲۶ یک راهبیمانی توسط دانشجویان و دانش آموزان هسوادار سازمان و دانشجویان مبارز بمنظور اعتراضی بدلنوا انتخابات در برخی از شهرهای کردستان و همچنین سیاست ترور انقلابیون که جنسی است از طرف هیئت حاکمه صورت میگردد، بر - گزارند. این راهبیمانی که از دانشکده تهران آغاز شده بود در مسیر خود در خیابانهای ابو - ریحان و جمهوری ادا میدیدا کرد و با استقبال مردم مواج شد. جمعیت که در خیابان جمهوری با یخ برهز را از نگرینو با شعارهای "تهدید ترور، قتل عام، این شیوه ارتجاع افشاء باید گردد" و "النه" با شعارها در دست زدن و توطئه ارتجاع علیه زحمتکاران و... به افسانی هیئت حاکمه پرداختند. در این تظا هرات، طبق معمول عدهای معلوم الحال سعی در بهمن زدن مطوف راهبیمانی داشتند که در مقابل صف یکپارچه بظا هر که بندگان نتوانستند کاری از پیش ببرند. در مسیر راهبیمانی سخنرانی های افکارانهای از طریق بلندگو انجام شد که با استقبال مردم مواج گردید.

**مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می توانند حل کنند، نه عافیت جویان**



"علت قدرتی استهای آموزش مارکس در پرستی آست. این آموزش کامل و هماهنگ بوده و جهان بینی جامعی نه افراد میدهد که با هیچ خرافاتی، با هیچ ارتجاعی و با هیچ حمایتی از نظام بورژوازی آستی پذیر نیست." (لنین)

کارل مارکس یا به گداز روسیا لیسیم علمی و بنیادگذار رابین الملل اول کارگران جهان در پنجمه ۱۸۱۸ دریک از شهرهای آلمان بنام "تربیر" متولدند. او در دانشگاه بن جزوجناح جب شاگردان هگل بسود و در زمانی که هنوز طرفدار هگل فیلسوف آست - آلیست آلمانی بود، تز دکترای خود را تحت عنوان "اختلاف بین فلسفه طبیعی دکمتریت و فلسفه طبیعی اپیکور" نوشت.

در سال ۱۸۴۲ درحالیکه مارکس فعالیت انقلابی خود را به پیش میبرد، مدیریت "روز-نامهرن" کارگانی را دریکال بود، بهیچده او گذاشته شد. از این تشریه تحت هدایت او هم سیاه رهیمی درانتشار افکار انقلابی و در مبارزه علیه طبقه اربنجا عی حاکم ایفا کرد. اینک با لآخره در سال ۱۸۴۳ توسط دولت آلمان توقیف گردید.

این دوران، دوران تحول مارکس بود شرکت در مبارزه انقلابی علیه طبقه حاکم و در مباحث و مبارزه "سیاسی" - ایدئولوژیک اجازده داد تا عقاید و بینش مارکس از ایدئولیم هگلی به ما تریا لیسیم فویرباخ تحول یابد، رد ایدئولیم هگلی، جهش بینشی در افکار مارکس بود. از این زمان بود که او از بسک دمکرات انقلابی به یک کمونیست تغییر پیدا کرد و در مسیر مبارزه آوری فکری جدیدی قرار گرفت.

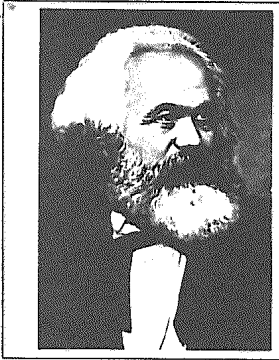
مارکس پس از توقیف "روزنامهرن" با همسر و هموزمیش "ژنی" به برلین رفت و در آنجا به انتشار "سالنامت آلمان" - با رین پرداخت در این شهر بود که در ۱۸۴۴ با فردریک انگلس آشنا شد. او از آن پس مبارزه و فعالیت مشترک آنان شروع گردید. مارکس و انگلس بطور فعال در عملیات مجامع انقلابی پارسیس شرکت میکردند، و در آنجا با افکار "سوسیالیسم خرده بورژوازی" "پرودون که جنبش کارگری را مورد پیروی خود قرار داده بود، سرخاستن نشه مبارزه می نمودند.

**پیدایش مارکسیسم**

در ۱۸۴۵ مارکس با همکاری انگلس کتاب "خا نواده مقدس" را علیه "یا شوترها" که طرفداران هگل بودند نوشت. این کتاب به که در واقع ادا مکتبیمی نوشته "دریسار" مسائل بیود است، اساس ما تریا لیسیم دیا لکتیک و تاریخی را مشخص میکند و با رد نظرات ایدئولیمی طرفداران هگل، مطرح می نماید که شیوه تولید مادی زندگی اساس هر تاریخی است. این رساله بر این فکرتکیه دارد که فصلال مالکیت خصوصی ناگزیر است و برولتا ریا برای اینکه خود خویش را به منا به برولتا ریا ملنی سازد با مقدمه تا جایی که به مبنی بر مالکیت خصوصی رانفی کند.

در ۱۸۴۶ - ۱۸۴۵ مارکس با همکارانی انگلس اثر تاریخی "ایدئولوژی آلمانی" را به رشته تحریر درآورد. در این اثر بنیان تئوری مارکسیسم ریخته شد. در این نقطه بود که نظریات ما تریا لیسیتی مارکس و انگلس انجام یافته و به یک نظام فکری مستقل تبدیل گردیدند. مارکس و انگلس در این نوشته "سوسیالیسم حقیقی" نا گردان جناح جب هگلی که مبارزه طبقه تاری را نفی میکردند به سختی مورد حمله قرار داده و نواقص ما تر - یا لیسیم فویرباخ را به انتقاد کشیدند. این فویرباخ ایدئولیم مذهبی و بطور مشخص مسیحیت را مورد نقد خود قرار داده بود، ولی مارکس ما تریا لیسیم را به ما تریا لیسیم دیا لکتیک ارتقا داده و آنرا به عرصه مبارزه طبقه تاری گشاند. او در مقابل فلسفه انتفعل فویرباخ مطرح ساخت که فلسفه ما تریا لیسیتی نیا بدمرقا به توضیح جهان بستده کند، بلکه این فلسفه همچون سلاهی است که با پذیر خدمت

# کارل مارکس پایه گذار سوسیالیسم علمی (۱)



تغییر انقلابی جهان قرار گیرد، و نتیجه گرفت که نیروی اجتماعی این تغییر طبقه کارگر است.

در سال ۱۸۴۵ برای نشر نشریه "بروکلین" که با هدف آرزو مارکس بنیان و یک انقلابی خطرناک از پس تبعید و سیس به بروکلین در بلژیک رفت. در آن شهر مارکس به رد و نقد کتاب "فلسفه فقر پرودون" پرداخت پرودون با تکیه به "سوسیالیسم خرده بورژوازی" "اش فقط شکل سرمایه داری بزرگ را منتقاد کرده و تولید کوچک را ابدی تلقی می نمود، او بر این عقیده بود که مینتسوان صنعتکاران را از زور و تنگی نجات داده و کارگران را به تولید کنندگان مستقل تبدیل نمود، او مخالف کمونیسم بود. برپا به این تفکرات او پس کرا پرودون در کتاب "فلسفه فقر" در پی آن برآمد تا با تکیه به عقاید آنا ریشیسی و خرده بورژوازی خود با درکی ایدئولستی، تفکرات او را اقتصاد جامعه سرمایه داری را بررسی نماید و متشاقق را توضیح دهد.

در مقابل این انحرافات آنکارا رودر نظرات پرودون، مارکس کتاب "فکر فلسفه" نوشته و در آن نشان میدهد که با نظام سرمایه داری بنیادین و رشد برولتا ریا ناگزیر بوده و قوانین حاکم بر این نظام اگر چه فکری و محرومیت طبقه کارگر را به همراه دارد، ولی در عین حال گورکن تاریخی خود را نیز بوجود می آورد. مارکس در نظر نظرات پرودون مطرح ساخت که سرمایه داری ویدیده ها می چون کالا ارزش، پول و سرمایه متعلق به یک دوره مین از تاریخ بشری میباشد. در حالیکه پرودون در کتاب خود نهاد سرمایه داری را غیر ممکن جلوه میدهد، و فرغم اولیایات و نا غیرمکرات اجتماعی قلمداد می نمود، مارکس در رساله خود اثبات نموده که سرمایه داری بنیادین به یک شیوه تولیدی محکوم به فنا بودی است و شمار سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه سرمایه جز جنگ خونین چیز دیگری نمی تواند باشد.

مارکس در انتقاد از جهان بینی ایدئولستی پرودون، تئوری علمی خود را منجمت ساخت و به تشریح قوانین عینی تکامل تولید مادی و در این رابطه، ارتباط دیا لکتیک بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی می پرداخت. او در ارزیابی از نقش نیروهای مولده مطرح میکند که برولتا ریا بخشی از نیروهای مولده و بنیادین انقلابی است.

در این کتاب برپا روش مارکس تزوجت مبارزه اقتصادی - سیاسی را ارائه داده و نتیجه گیری میکند که مبارزه سیاسی طبقه کارگر جهت سرنگونی حاکمیت سیاسی بورژوازی و مبارزه تاریخی برولتا ریا اهمیت تعیین کننده دارد.

**«مانیفست» صدای رسای کارگران جهان**

در بروکلین مارکس به "جامعه کمونیستی" (۱۸۴۷ - ۱۸۵۲) که بطور بنیادین فعالیت میکرد پیوست و در دومین کنگره آن، او انگلس موظف به تدوین برنا م حزب کمونیست یا "مانیفست حزب کمونیست" گردید و با لآخره در ۱۸۴۸ بیانیه کارگران جهان انتشار پیدا کرد. "مانیفست" کتاب کوچکی بود، ولی

نا پذیرا هر تاریخی برولتا ریا برای همیشه انگلستان عزیمت نمود.

مارکس در ۱۸۵۱ کتاب با ارزش "بود هجدهم فورولوشی بنا برت" را نوشت. او در این کتاب با سلسله انقلابات ۱۸۴۸ - ۱۸۵۱ اروپا را بررسی کرده و نشان داد که چگونه احزاب و جناح های مختلف بورژوازی یکی پس از دیگری به برولتا ریا خیانته کرده و چگونه کارگران را جلوی سر نیزه های زرنالهای جلا میفرستند. مارکس مطرح ساخت که: "دفعان ما متحد طبیعی و بیخوای خود را در برولتا ریا شهری یا بندگه رسالت برانداختن نظام بورژوازی را بهیچده دارد."

مارکس ضمن جمع بندی از تجربیات انقلابات اروپا، نظریات تئوریک خود را در باره دولت و دیکتاتور برولتا ریا دقیقتر نموده و چنین نتیجه گرفت که طبقه کارگر نباید به تصرف ما شین دولتی بورژوازی یا دستگه ادا ری - نظامی حاکم بستده کند، بلکه باید این ابزار تئوریک و سیاست را در هم بکشد و نابود سازد.

**«سرمایه» اثر دوران ساز**

وقت آن رسیده بود تا مارکس بنیادین مطالعات و تحقیقات علمی و گسترده خود را وقف نگارش اثر "سرمایه" آغاز کند. در این کتاب (که بیتال) بنامد، مارکس در ابتدای امر نظریات اقتصاد را به ریزی نموده و تحت عنوان "نقد اقتصاد سیاسی" در سال ۱۸۵۹ بهر جمله، اولین جلد "سرمایه" را در سال ۱۸۶۸ انتشار میدهد.

"سرمایه" به درجه مقطع تاریخی نوشته شد؟ "مجموعه حاصل تکامل تفکرات تاریخی و مبارزه طبقه کارگر و سرعلاقت سؤال و رستن سرمایه داری بود." "سرمایه" محصول زمانی بود که دیگر سرمایه داری دوران شکوفایی خود را پشت سر گذاشته بود، زمانی که سرمایه داری بطور آشکارا مواجه با اولین تضادهای و بحران های خود گذشته بود، زمانی که مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی برآ مدید کرده بود، زمانی که "علمی" اقتصاد بورژوازی به این فکر افتاده بود که چگونه به نظر برای سرمایه مبدت و کدام نظریه مورد بسند لیسیتی می باشد. در یک کلام "سرمایه" زمانی نوشته شد که بقول مارکس:

"ما ربه طبقه تاریخی و علاو نظر آنکلاسی جدید روندها میز تر بخود گرفت و تا قوس مرک اقتصاد علمی بورژوازی را بهیچ در آورد." (مقدمه "سرمایه")

نگارش "سرمایه" چه هدفی را تعقیب می نمود؟

مارکس بنیادین کار علم اقتصاد سیاسی بود، علمی که تولید مادی و مناسبات تولیدی حاکم بر جامعه و قوانین عینی ویژه هر شیوه تولیدی را در هر مقطع تاریخی مورد بررسی قرار میدهد. از چنین دیدگاهی بود که مارکس به تحلیل جامعه براتفا سرمایه داری پرداخت. در این رابطه و در مقدمه "سرمایه" می نویسد:

"آنچه که ما میسود تولید سرمایه داری و مناسبات تولیدی و مناسبات منطقی است."

مارکس اولین کسی است که برای اولین بار نظام تولید سرمایه داری را بطور همه جانبه مورد بررسی و نقد علمی خود قرار میدهد و قانونمندانه حاکم بر این نظام طبقه تاری را توضیح داده و تئوری "ارزش اضافی" و "سرمایه" قانون اساسی تولید سرمایه داری را کشف می نماید. مارکس در این اثر، در پی آست تا بهیث استنتاج رگانه نظام اقتصاد سرمایه داری و بورژوازی را بر ملا خا و نشان دهد که بدیده ها می مانند که لااوسر ما به ابدی نموده و بلکه متعلق به شیوه تولیدی معینی است که گذرا و محکوم به فنا بودی است. (ادامه دارد)

### اخبار مبارزات پرسنل انقلابی (شیراز)

● اعتراض دانشجویان وظیفه مرکز زهری شیراز به دستگیری و زندانی کردن گروهبان مبارز علی کولیوند از مرکز زهری اعلامیه ای از طرف پرسنل مبارز مرکز زهری شیراز در مرکز کوی ده بیخند نوروز سنه ۵۸/۱۲/۱۸ دانشجویان وظیفه هنگام مصحکام شدن شعارهایی این گونه اعمال را که یادآور عملکردهای ارتش شاهنشاهی است و بیست از جانب پنهانهای فخری "فداطلاعات" و "تادبلیفات اسلامی" هدایت می شود، محکوم کرد و حرکات و اعمال فدا تقلابی فرمائنده مرکز زهری و مزدوران ارتش را افسان نمودند ، شعارهای آنها چنین بود:

گروهبان مبارز زهری ، علی کولیوند ، آزاد با بدرکده! - زندان عادل آباد کوی کولیوند نیست! - اخراج پرسنل مبارز محکوم است! فرمانده زهری ، همتی است، اخراج باید کرد! در ضمن عده ای از دانشجویان وظیفه که با نا آگاهی و با فلاتر آلت دست هستند ، کور - دلی و دنباله روی خود را از جریانات ارتجاعی با دادن شعار "هرده انقلابی از ارتش اسلامی اخراج باید کرد" نشان دادند .

مادرزیرتتمتتائی از اعلامیه ای راکه پرسنل مبارز مرکز زهری در رابطه با دستگیری علی کولیوند بیخند نوروز داده اند می آوریم :  
"کانون بینا زده هفتاد و دستگیری و اسارت یکی از درجه داران مبارز زهری گروهبان یکم علی کولیوند در زندان عادل - آباد دید کرد ، کما نیکه از دستگیری وی اطلاع دارند میدانند و که قبلا بوسیله با مصطلح نامیده شدن گروهبان امضا شده از مزبور جاسوس فرمائنده (بنام بنده) محلی گروهبان سوار زهری) شما سایی شده بودید هنگام بخش اعلامیه از طرف عده ای از پرسنل مبارز با دگانیا شیراز عمرا از خرید و نوا غسل جهت پشتیبانی از درجه داران انقلابی متحمن در مسجد انگاه شیران بدستور سرنگ آفرین - کی همتی مزدور (معاون سابق فرمائنده سابق دانشکده زهری و مجری طرحی آموزشی امیربالیست آمریکا یکتک مستاران در دانشکده زهری) فرمائنده با دگان و همکاران شدی جوجه فرمائنده تا زهد قدرت بیهوده

● مبارزه دانشجویان وظیفه برای تعطیل پنجشنبه ها  
ستادمانت آموزشی رسید که هردانشجویی پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ در بیگاه و کلاسن حاضر شود سربازهای محسوب می شود ، با نصب این نامه خیلی محرم نه بدو را از حرکت های اعتراضی دانشجویان شدت گرفت .

روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۸ دانشجویان وظیفه با شعار پنجشنبه ها تعطیل است در بیگاه حاضر شدند و هما روزی اعلامیه ای اظهار داشتند که از این بدست پنجشنبه ها سرخصت حاضر نخواهند شد و از کلیه پرسنل جهت سر آوردن این منظور خواستار همکاری شدند . در گوه ای از اعلامیه آمده بود: "فرمائنده ارتش برای جلوگیری از بیخند درجه داران سربازان و افسران جز - با توده های مردم سی درگاه داشتن آنها در جرای سوار ی با دگانیا دارند آنها میکوشند از لافرتن آگاهی پرسنل ارتش جلوگیری کنند زیرا آگاهی پرسنل مسای و مرگ فرمائنده در مزدور و وابسته است" (نقل بمعنی)

روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان پرسنل و بیگاه ها حاضر شده و پنجشنبه را تعطیل نمودند و تنها عده معدودی فریب خورده و نا آگاه در بیگاه و کلاسن حاضر شدند . (بمنقل از کمیته خوزستان)

روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان پرسنل و بیگاه ها حاضر شده و پنجشنبه را تعطیل نمودند و تنها عده معدودی فریب خورده و نا آگاه در بیگاه و کلاسن حاضر شدند . (بمنقل از کمیته خوزستان)

روزشنبه ۵۸/۱۲/۱۱ طبق اطلاع قبلی که حاکی از آمدن هیئتی از امرای ارتش از نیروهای زمینی هوای بود (البته ایمن هیئت در بیشتر شهرها در تصفیه پرسنل انقلابی و مبارزان ارتش نقش فعال داشته است) مراسم خاصی در مرکز کوی ده بیخند و فرمائنده از مزدوران ارتش شاهنشاهی که بعد از اذیتا بهرتکوه خلقیای قهرمان ایران در جهت سیستم خلقی ارتش کوشیده اند ، جهت بررسی اوضاع این مرکز در آنجا حاضر شدند .

در برینا مه ویژه ای که در بیگاه ها ترتیب یافته بود و کلیه پرسنل با دگان در آن شرکت داشتند ، نخست ترتیب امین داری مسان و فلاحی (فرمائنده سابق گردان مهندس اهورا در زیر پناهها ای) که اخیرا مسلمان دو آتشه نیز شده است طی صحبت کوتاهی مبرا خواها برقراری نظم و انضباط در ارتش شد ، البته نظم و انضباطی که مورد نظر این مزدوران و جلادان خلق ما میباشد جز نظم شاهنشاهی سابق نیست که در سابقه ارتش کشتارهای ۱۷ سپه یورو ما بهمراه و غیره ارتگرارکنند . بعد از آن مراسم ویژه و سخنرانی ترتیب امین داری نوبت به زده رفتن از جلوان عا ملین کشتار خلقیایمان و اادای احتشرام پرسنل تحت ستم با دگان به این مزدوران آفرینشایی سیاسی خوش خدمتیای چندین ساله آنان برای شاه خا شن و امیربالیسم آمریکا رسید!

دانشجویان وظیفه مبارز و انقلابی که سابقا با علییه همین نظام و همین فرمائنده مبارز کرده و دوش دوش شده ها در کوچ و بیجا با خونیهای سرخشان را نشمار انقلاب نموده بودند وقتی در مقابل ایمن صحنه قرار گرفته و میدیدند که چگونه آنان را به اادای اجرام مبدلین خلق خود می دارند ، با خشم و نفرت از این مزدوران سیا و آمریکا مراسم "سا ن" را به نظر اورت برنگوهی تبدیل نمودند ، آنان در حالیکه بطور کمالا عادی از جلوه فرمائنده را ردمینندشمار می دادند:

فرمائنده ان مزدور ، عوامل جنگ افروز کردستان و کتکید ، افسا با بدرکده .  
عالمین این کشتار ، اعدا ما بدرکده .  
شوراهای واقعی در نیروی زمینی ایجاد با بدرکده .  
فرمائنده ان مزدوران زنیروی زمینی اخراج با بدرکده .  
آری ، در حالیکه فرمائنده ان از وحشت انتقام نموده ها چشمه یمان از حده در آمده بودند در مقابل این همه شورانقلابی فرزندان خلقیایمان فا در به کوچکترین عکس العملی نبودند ، آنان خیره به دانشجویان می - نگریستند و بوضوح در مقابل جسمای وحشت زده

بقیه از صفحه ۳  
کارگران ...  
بها بخانه می آیدومی خواهد برای کارگران صحبت کند . ساعت ۲/۵ سرولکله: گرما رودی با عده ای با سدا ر ، که از اوابا سدا ری میکروند ، پیدا می شود /جنب وجوش عجیبی جایبانها را فرامی گیرد ، حضور با سدا ر ، کارگران را بدست خمکن می کند و کارگران خود را ا دادده: درگیری می کنند ، همه بفرک تپیه جوب و آشیائی که بتوانند از خود دفاع کنند می - افتند و در این میان چند کارگر مبارزحتشی بقول خودشان غل شدت می کنند ، کارگران نظرات جالبی می دهند ، از جمله اینکه تا موقعی که با سدا رها از کارخانه بیرون شروند ما حاضر نیستیم که به حرفهای گرما رودی گوش دهیم ، تا ساعت ۳ خوری نمی شودولی وقتی

● دانشجویان وظیفه مراسم سان امرای ارتش شاهنشاهی قدیم و جمهوری اسلامی جدید را به نظرات باشکوه تبدیل نمودند .  
خودجوبه های داری که خلقیای قهرمان مبین مان درآینده ای نه چندان دور برایشان بپا خواهند نمود تصور میکردند ، در این میدان بزرگ که نما یی از اادگا ه خلق بود سربازان درجه داران ، و افسران جز - انقلابی در حالیکه درنگها رفا یتمندی خاصی پیدا بودند ه صحنه بودند و چندان شی نیزبا منتیای گسره کرده اتحاد و همبستگی خود را با دانشجویان اعلام می داشتند ، دانشجویان در اادما هفتا هرات خود شما رمیدادند:

درو بر پرسنل مبارز فرمائنده ان بدون آگاهی سیاسی ، نیروی بی اراده برای سرکوب خلق ، فلاحی ، فلاحی ، قاتل خلق مائی .  
مرک بر فلاحی ، مزدور آمریکائی .  
مرک بر فلاحی ، مرگ بر جراحان  
چهران آمریکائی ، جلاد ل زعتر ، جلاد خلق ما ند علوی ، علوی فرمائنده در بیجا سوس آمریکائی علوی ، مدنی ، جاسوس آمریکائی .  
نما بنده پرسنل مبارز آنرا با بدرکده .

دانشجویان بی از دورزدن میدان مبع - گاه به طرف میدان ورزش رفته و در آنجا به نظرات خود یایان دادند و در این میمان گروهی از دانشجویان قنری و نا آگاه و بیخا آلت دست که بعد از انقلاب متخما درجهت منافع فخری کام میسارند ، با سهاراشی چون : هرده انقلابی ، از ارتش اسلامی اخراج با بدرکده چپ های آمریکائی اعدا ما بدرکده ، سنی در ارجا دودستی و بر خود را شند که با منان انقلابی بقیه دانشجویان نشدند . بعد از یان نظرات فرمائنده در حالی که دیوانه و اوار سهار طرف می نگریستند از میدان بیگاه که سکوت آنرا فرا گرفته بود بطرف ستاد فرمائنده رهسپار شدند و با ایمنه ای که ستاد فرمائنده ها ای جدیدی را علیه پرسنل انقلابی ارتش تدارک ببینند و لوسی نافل از آنند که پیش رو به اعلامیای خلقیایمان بین از این اما نشان نخواهد داد آنها را به زباله دانی تاریخ خواهد هدیرد .

روز سه شنبه این هیئت به مرکز زهری میروند فرمائنده ان مرکز زهری با داشتن زمینه قبلی از حرکت انقلابی دانشجویان وظیفه در مرکز بپا دها زوحشت تکرار آن حرکت انقلابی به وسیله دانشجویان مرکز زهری ، در مراسم ان و رهه آنان را به بیانه بررسی برخی مسائل مبتلا به دانشجویان به اطمینان شتار میبرند و سازا جرای مراسم بدون بررسی هیچ مسئله ای برمی گردند ، دانشجویان که قبلا از این عمل فریبکارانه اطلاع نداشتند به از آگاهی یافتن از آن ، ما هیت آنرا برای برخی سربازان و پرسنل کارافشا می نمایند و چه ره که فرمائنده ان مزدوران برای آنسان آتکار میسازند

کسانت کارشما می نمود و همه میخواد هندی بروند ، مدیر عامل بیگامی فرستد که همه در سالن تها ر خوری جمع شوند ، کارگران از این کار امتناع می ورزند و یکی از نمایندگان شان را رانند . گرما رودی فرستاد و خواستشان را که خروج با سدا رها ست اعلامی کنند . گرما - رودی در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارگران چاره ای نمی بیند و مجبور می شود خواست آنها را قبول کند ، جلسه حدود ۳/۵ ساعت طول می کشد ، و کارگران موفق می شوند در حضور همه ، مدیر عامل یعنی منا و ورئیس جمهور و عامل رژیم سارمه داری را رسماً محکوم نما بیند و به غیرا ز دوما بنده خود ، ۵ کارگر اخراجی چایخانه ، مرکز رانیز بسر کار برگردانند .

## خلق سلاح خلق و نیروهای انقلابی خواست امیربالیسم و حامیان داخلی اوست

نقیه ۲ صفحه ۲

پیام ...

کمزین ، زحمتگان شهر ، دیلمه های بیکار  
کارمندان ، پرسنل انقلابی ارتش و ... این  
نازبانان را در میان رزائی که در این یکساله  
داشته اند ، نشان داده اند . این مبارزات  
توده ای که بیشتر اوقات بوسیله رژیم پرکوب  
هم میسده است ، یکی از عوامل اصلی جلوگیری  
از تنبیه ناهای اقتصاد ، سیاسی ، نظامی  
و ... رژیم بوده است و با بهای حکومت را  
بیوسته در حالتی لرزان و بی ثبات نگاه  
میداشته است . این یک جانب قضیه است .

### رشد نیروهای انقلابی در سال گذشته

جانب دیگر قضیه رشد کمونیستی و نیرو  
های انقلابی است . در این یکساله حرکات و  
اعمال فدا انقلابی هیئت ها که حقا نیست  
گفتا روگردا کمونیستی و نیروهای انقلابی  
فدا میریالیست را بهمان زمان زیاده در نرسد  
توده های آگاه مردم با ثبات رسانده است .  
بهمین لحاظ ، هر چه توده های آگاه کارگران  
وزحمتگان و اقشار متوسط جامعه مانند  
از رژیم جمهوری اسلامی سلب شده است ، نسبت  
به کمونیستی و نیروهای انقلابی اعتماد  
بیشتر پیدا کرده اند . در اینجا اگر به این  
موضوع توجه کنیم که هیئت ها که جقدر از  
طریق رادیو و تلویزیون ، مطبوعات و سخن  
را نییای ما ساجد ، راهیمائی ها ، نماز جمعه  
ها و ... بر علیه انقلابیون (ویژه کمونیست  
ها) سیاسی کرده است و سعی نموده که  
توده ها را از آنها جدا کند و با هزاران دروغ و  
نیرنگ و تهمت و افترا از آنها در مردم نسبت  
به آنها جلوگیری نماید ، در چنین حالتی  
همین مقدار بیگانه ای هم که این انقلابیون در  
میان مردم پیدا نموده اند ، معلوم میبکند که  
مقدار زمینه رشد آنها در میان توده های  
عقلی و خودآگاه در این یکساله غیر از  
نماز و تلاشی رژیم ، جبهه انقلاب تقویت شده و  
بر عکس جبهه فدا انقلاب روز بروز ضعیف و ضعیفتر  
شده است .

نیروهای انقلابی و کمونیست ، اکنون  
جریانی سیاسی محدودی نیستند که در  
بوسته جدا از توده خود آرمیده باشند . این  
نیروها اکنون بیوندا ستواری با بخشهای  
و سیاسی از توده های آگاه مردم ، برقرار کرده  
اند و به یک جریان توده ای تبدیل شده اند .  
منطقه ای چون کردستان و کنگدو همچین آرا  
انتخاباتی گانندیدهای نیروهای انقلابی  
شاهد چنین ادعائی است . سرعت رشد این نیروها  
نیز حیرت آوری است . بطوریکه به یقین میتوان  
گفت موازنه قوا میان نیروهای انقلاب و  
انقلاب ، روزانه تغییر می یابد ، هر چند  
در عرصه سیاسی کشور ، برافزایش ستاب حرکت  
رودخا نه سیال و عظیم توده ای تا نیرسات  
معینی دارد و به تقویت جبهه انقلاب و تضعیف  
جبهه فدا انقلاب یاری میرساند .

حرکت ستابان رشد نیروهای انقلابی و  
بویژه انقلابیون کمونیست و گسترش نفوذ و  
اعتبار آنها در میان توده های میلیونی ،  
منحصرا مبارزه طبقاتی جاری در کشور عمق و  
وسعت می بخشد ، و این بدون ما با ایجاب  
تلاطمات و تکانهای بی دردی در کشور جامعه  
را از حالت ثبات و انظم ، به سود رژیم خارج  
می سازد و لاجرم وضعیت عدم ثبات و بی نظمی در  
حکومت را ، تداوم می بخشد .

### رشد اختلافات درونی هیئت حاکمه

و اما مسئله سوم ، تفاوهای اختلافاتی است  
که در میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر  
سرچونگی استقامت رتوده ها ، برآه انداختن  
دستگاه بهره کشی جامعه ، سرکوب انقلابیون و

اندازند ، پیش از آن نیز با فرمان "عفو  
عمومی" خود ، که بهترین "هدیه نوروزی" و به  
رژیم سرما به دار ایران بود ، کامی در جهت  
استقرار این "نظم و امنیت" مطلوب حکومت به  
پیش برداشت ، بیپرده نیست که عنا مر معلوم  
الحال و بسته به سرما به داران و زمینداران  
و تجار بزرگی چون آیت الله قمی و آیت الله  
مرعفی با ارسال پیامهای از این "فرمان"  
اظهار "قدردانی" کردند . یعنی صدرا کنون در  
بنا بهر نامه بورژواژی تعیین شده از سوی  
آیت الله خمینی امکان می یابد سیاست  
چماق و نا شیرینی خود را بدون دغدغه به  
پیش برد .  
چکمی بهتر از آیت الله خمینی و سا

کمونیستی و ... وجود دارد . اختلافاتی که  
به اعتبار رکونا کونی ما هیت طبقاتی و سیاسی  
جناحهای گوناگون حکومت و جناحها ربحان  
انقلابی کسرتن یا بنده در با شین و در میان  
توده های مردم ، نمی توانا زمین را رود که  
با لکس تحت تا نیردو عامل فوق روه کسرتن  
و فزونی میرود . هر چه مبارزه مردم بیشتر شد  
می گیرد ، هر چه کارگران و زحمتگان بیشتر  
به منافع خودی میرسد و در آن مبارزه  
میکنند ، تفاو اختلاف در هیئت حاکمه را شدید  
تر نموده و تکاف بین آنها را عمیق تر میکند .  
و هر چه این تکاف و تفاوها بیشتر شود ، امکان  
استقرار ثبات و نظم و برقراری امنیت مورد  
نظر رژیم زوسی آنها دشوارتر و ناممکن تر

شم طبقاتی پیام دهندگان ، بخوبی آنان را بر این نکته اساسی واقف کرده است که حفظ  
"امنیت کشور" و به زبان محافظ امنیت و موجودیت حکومت ، فقط و در درجه اول با تکیه بر  
قوای نظامی و انتظامی میسر است و درست به همین دلیل است که در تمام پیامها و مخصوص  
پیام آیت الله خمینی ، موضوع ارتش و قوای انتظامی در محورها سائل قرار دارد .

به یقین میتوان گفت موازنه قوا میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب روزانه تغییر میابد . هر  
حادثه ای در عرصه سیاسی کشور ، برافزایش ستاب حرکت رود خانه عظیم و سیال توده های  
تأثیرات معینی دارد و به تقویت جبهه انقلاب و تضعیف جبهه فدا انقلاب یاری میرساند .

هیئت حاکمه در صحنه سیاسی کشور ، با سه مسئله مهم و اساسی که به یکدیگر مربوطند ،  
مواجه است . یکم رشد مبارزات توده ای و موج نارضایتی مردم . دوم رشد نیروهای انقلابی  
و کمونیست . سوم تضادها و اختلافات درونی هیئت حاکمه .

می گردد و همچنین امکان در پیش گرفتن یک  
خط منی واحد مشترک در مقابل جوی بی  
مسائل پیش روی حکومت را منکسر میسازد .

### سه مشکل اساسی

بنا بر این هیئت حاکمه در صحنه سیاسی  
با سه مسئله مهم و اساسی که یکدیگر گریز  
نمیکنند ، مواجه است ، یکم رشد مبارزات توده  
ای و موج نارضایتی مردم ، دوم رشد نیرو  
های انقلابی و کمونیست ، سوم تضادها و  
اختلافات درونی هیئت حاکمه ، هر یک از  
عوامل فوق به اندازه معینی در ایجاد بی  
ثباتی و نا امنی و هرج و مرج در کشور ، موثر  
است و با بهای حکومت را لرزان میسازد .  
بهمین دلیل است که رژیم در سال جاری  
اصلی ترین وظیفه و برنام خود را استقرار  
ثبات و امنیت در کشور قرار می دهد . و می  
کوشد تا با تکیه بر سیاست چماق و نا شیرینی  
امنیت و ثبات را برقرار سازد و با هر رژیم  
جمهوری اسلامی را استحکام بخشد .

### چه کسانی از پیام راضی اند

برنامه ای را که آیت الله خمینی در  
پیام نوروزی اش ارائه داده ، غایت مطلوب  
بورژوازی (سرما به داران) است که تا در سایه  
آن نظم و ثبات سرما به داران و بسته داران کشور  
برقرار سازند و دستگاه بهره کشی آن را بیکار

اقدام دارند ...

## روستائیان میرومحل شاندن برای مصادره زمینهای زمینداران مبارزه میکنند

روستای میرومحل شاندن در استان کرمان  
موضوع سراداران کلبان روستائی است با  
۷۰ خانوار جمعیت که اهالی آن در وضعیت  
بداقتی بصری برند . تعدادی از روستا  
شبان این روستا که برای دوزمیندار بزرگ  
بناهای میرفتمت قوامی و حاج کامیبر  
بعورت نصفه کاری کار می کردند در تابستان  
۵۸ یکمک تعدادی از روستائیان مسازرو  
اهالی روستا تصمیم میگیرند که با یکدیگر  
متحد شده و محصول برداشت خود را با لکس  
نهند . در ادامه این مبارزه روستائیان  
خواستار تقسیم زمین بین روستائیان بی  
زمین که در روی زمین ها کار می کردند شدند  
و همچنین با روستائیان و نما بنده روستا  
اصحافی تماس گرفتند و آنها وعده و وعید  
شدیدند تا اینکه در آن روستا روستائیان با  
پاداران و خسروی نما بنده روستا اصحافی  
روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۸ به روستای میرومحل  
آمده یک شورای ۵ نفری (دو نفر از طرف

لکس اما مقدری از زمینهای  
میرفتمت را به روستائیان می دادند . میرفتمت  
از بز خورد و ستا نه با پاداران و نما بنده  
روستا اصحافی استقا کرده و می خواست با  
جوب و چماق و اسلحه همین حداقل زمینی که  
خسروی و سا به پاداران اجبارا در اختیار  
دهقان قرار داده بود ، پس بگریزد ، با این  
منظور روز پنجشنبه ۵۸/۱۲/۹ تعدادی  
عنا سر مزدور و اوباش را که مسلح بیک قبضه  
بوزی ۳ قبضه گلت بودند به روستا آورده  
روستائیان مبارز را مورد تهم قرار می  
دهند ، یکی از اهالی برای آوردن کمک به  
شاندن رفته و جوانان شاندن را برای  
کمک می آورد و بدین طریق مبارزین را فراری  
می دهند . در این میان ما مورین یا سگه  
ژاندارمری ما سال با ما لکس منطقه همراهی  
کرده و جوانان مبارز را مورد ضرب و شتم قرار  
می دادند . روز یکشنبه ۵۸/۱۲/۱۲ جوانان  
مبارز شاندن یکی از ما مورین ژاندارمری  
را به روگان می گیرند و بی سواطت عده ای  
از متمدین وی را آزاد می کنند . پس از این  
جریان جوانان شاندن که عده زیادی از  
اهالی شاندن صوما کتا و رزان روستای  
میرفتمت آنها را همراهی می کردند ، بمدت  
چند ساعت را ما سال شاندن را بند می  
آورند . آنان به توطئه ربا بان منطقه و  
هدستی با سگه ژاندارمری با آنها اعتراض  
کرده و علیه زمینداران بزرگ سرما به داران  
شمار می دهند .  
ضمنا جالب است که هر چه میرفتمت  
قوامی را بجرم همکاری با ساواک و حمل به  
روستائیان دستگیر کردند و بی سواطت  
خواستند عنا سر کوب و مزدور گوشه زندان  
بمانند ، وی را به قضاوت آزاد کردند !

## محافظ صباغیان کیست؟

بر اساس اخبار موثق ، محافظ سفیر سابق  
اسرائیل در ایران بنام علی رستگار ، پس  
از تعطیل شدن سفارت اسرائیل ، محافظ  
هاشم صباغیان شده است . علیرغم آنکه هندار  
هاشی در این رابطه صباغیان داده شده او  
آگاهانه شخص مزبور را نزد خود نگاه داشته و  
از دستگیری او نیز امتناع بعمل آورده است !

☆☆☆

## هموطنان مبارز! رفتای گرامی

## سازمان ماهواره با پشتیبانی و حمایت

## همه جانبه شما توانسته است اهداف

## انقلابی خود را پیش برد .

## کمکهای مالی خود را از هر طریق که

## میتوانید به دست ما برسانید

● ● ●

## میتینگ باشکوه کارگران ۳۴ کارخانه

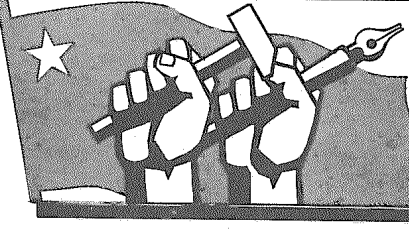
در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۰ ورزشگاه تختی رشت  
میزبان دهها هزار کارگر مبارز بود که از  
۳۴ کارخانه کلبان گرد آمده بودند . در این  
اجتماع نمایندگان منتخب کارگران  
سخنرانی کردند و سرانجام با صدور قطعنامه  
۹ ماده ای به کار خوددیا بان دادند . ما لحاظ  
زیاد بود اخبار رگاری این شماره و محدود  
- بت صفحات بیگانه رگزارش این میتینگ با  
شکوه را در ضمیمه پیکار ۴۸ درج نموده ایم .

## توضیح:

در ضمیمه (۱) پیکار شماره ۴۷ صفحه ۳ ستون  
اول سطر ۴۴ کلمه "جمهوری نیست" اشتباه  
"جمهوریست" چاپ شده که بدین وسیله تصحیح میسود  
ضمنا صفحه ۳ سطر ۲۳ و ۲۴ از ستون  
اول اضافی است .

آنها که زمان شاه مخالف مسلح شدن خلق بودند ، امروز خواستار خلع سلاح آنند !

# هنرمقاومت هنرپرولتاری



## هفت سپین سرود

برفره‌های سرخ "هفت سین" سینه‌های ما  
هفت سرود  
با طنینی نامدانه  
سربری افزاد .

\*\*\*  
آه‌ای دهنای کرسنه  
ای گلوکا دحمت ونج  
ای زبان سرخ انقلاب  
با ما بخوان  
هفت با سرود "ستارگان سرخ‌سلو" را  
که خونین  
خونین  
بدرآه تیره‌مان میبوزد  
خاکستر نمیخورد  
با ما بخوان  
هفت با سرود "سرفرازی انقلاب نا تمام" را  
که در بهاران توده‌ای  
شکوفه میدهد همچنان  
با ما بخوان  
هفت با سرود "سازمان سرخ کار" را  
که جوانخواهدد  
از تاش آفتاب آکا هی  
بر زمین با آروینردکارگان  
وریشه در رینه غلغهای هر سا زین خواهد افکند  
تا بخشکاندریشه‌های خیانت را  
تا استوار  
به پیش تا زد  
در بیستای پیتی رنجبران  
با ما بخوان هفت با سرود "سبزها را نامشترکار"  
که با خواهد داد  
بر سینه‌کننگا هیای در بنددهقان  
با ما بخوان هفت با سرود "فانجان" که نطفه‌خواهد بست  
در رحم جمهوری دمکراتیک خلقمان  
با ما بخوان هفت با سرود "سوسیالیسم" را  
که بر گودهای آن  
پرچم سرخ فاشخان  
خاطرات سالیان ستمگری را  
خواد هر وقت  
وبنگها و داسهای در اهتزاز آن  
بر سرا سرچین  
مهرچا کمیت رنجبران را  
خواد گوشت  
با ما بخوان  
با ما بخوان هفت سرودهای  
اینگ نوروزی آبد  
اینگ که می آید نوروزکا ودهای آهنگر  
تا با ردیگر  
ضخاک را  
در بندانقلاب خلق بیا نداد زد .

## لنینیسم در هنر - ۲

### ادبیات حزبی، ابزاری در جهت تغییر جهان

ما رکیستی - خواه هنرمندیانه - نمیتواند از آن روی بر تابد. ادبیات حزبی، هنر را از قیدبردگی اوها مبورزوی میرها بدو جا زد نمی دهد که عوا مل گونا گونی که میتوانند یک روستنفر، یک هنرمندما رکیست، را مقهور ایده‌های بورژوازی سازد، به هنر آسب رسا ندوسیب رخنه و نفوذ روحیه منفعل در درون توده‌ها وعرضه تصویری کج و معوج و تحریف - آمیزا زوسیده‌ترین و بیجیده‌ترین حقا یسوق درونی جامعه کرده. تنها هنرمندیانی که از برآکندن چنین ایده‌های واهمه‌نا رند، و قابلیت خود را و ایده‌های خویش را، برتر از هر چیزی دانندخواهان ادبیات غیرحزبی هستند.

آری تنها حزبی شدن ادبیات قادر است که بدون انحراف و تزلزل آن شوروا تشسیق عمیق انقلابی را در میلیونها نفر ازان زده زحمتگان زنده نگا دهد رده‌آنان که کمک کند که خم و کین خود را، احساسات زرف و انقلابی و آشتی با بنیون خود را نسبت به هر جنبه‌ای معطوفاتی و بیجانترین پدیده‌های آن، سئله و رنگا هدا رند. و در راه دگرگونی جامعه بگویند. حزبی شدن ادبیات سدی در برابر زلزلات روستنفرانی است که همواره در دهرخا فعال قرار دارند. این ادبیات همواره به آن راه میرود تا بطور کیفی و از درون بوسیدگی، ردالت و فرسوتی جبهه‌ها انقلاب، از یکطرف و از طرف دیرتوان و نیروی درونی جبهه انقلاب را بشناسد و شناختنا سدا و آینه‌فعال حقایق باشد. لنین در مورد نقشی که ادبیات حزبی باید در راه انقلاب، در دگرگونی و تغییر جامعه ایفا کند، متذکر میشود:

"ادبیات باید یعنی از امر مشترک پرولتاریا، سیخ و سپره‌ای از یکا نیم عظیم سوسیال دمکراتیک با شکله‌بندت تمام همبستگی و آگاهان سیاسی طبقه کارگر حرکت در آید."

این بیان درخشان درباره انقلاب - ادبیات حزبی در کامتجان در راه انقلاب، براه تغییر کیفی و انقلابی جامعه است. این فزنده نظرات اصولی مارکس است که این بار در زمینه هنر و ادبیات فرمولبندی شده است. نظریه‌ای که هنر و آگاهی مارکسیستی - سواز جمله هنر - را برابری تغییرا جامعه کارمیکرد و آن را بصورت ابزاری در راه‌های هنرپرولتاریا و تغییر انقلابی جامعه بورژوازی در میاورد. ایده لنینی در مورد ادبیات هنر در راه حل گوناگون مبارزه طبقاتی، پیگیری ندادنه و تکامل یافت. اندیشه ادبیات حزبی، اولین بار بصورت همه‌جا ندهیسی از سال ۱۹۵۵، طسی

ای که مارکسیسم، بنا به اسلحه پرولتاریا در ساخت علمی جهان جهت دگرگونی انقلابی آمنت، پس ادبیات و هنر هم به عنوان تکلی و ویژه از ایدئولوژی با بددر خدمت این تغییر انقلابی قرار گیرد. ادبیات حزبی، لنینیسم در هنر، بمعنی ارتقا و هنر همه‌جا حل سیاسی شرکت در این بیگانه عظیم و تراقتصدا نه است. لنینیسم در هنر، میخواد هنر تحت هدا یست ایدئولوژیک حزب پرولتاریا، حزب کمونیست این عالیترین اسلحه طبقه کارگر در دگرگونی انقلابی جهان، این گرمترین آغوش، برای پرورش ایدئولوژیک و این در دستمکنمبورد انقلابی طبقه کارگر در آید و با برای در خدمت بپیوندد امر مشترک پرولتاریا باشد. از اینجا - ست که مارکسیستی در کف تا رکیستی میخواد هنر "را از ظاهر حزبی شدن براه بندد، تا حد "مقدس" آن را از آلودگی به مارکسیسم، با کیزه نگا هدا رند، به یک تناقض منطقی و عملی گرفتاری آید، با یاد از این هنرمندان "مارکسیست پرسید آیا شما که خود را مارکسیست میدانید، در پی آن هستید که در تغییرات انقلابی نقشی بعبه‌گیرید؟ البته آن را با سخاوت و انداد؛ آری، ما حاضریم به عنوان یک مارکسیست به سازمان ندهی پرولتاریا بپیوندد زبوم مبارزه طبقاتی سوسی شرکت جوئیم و از تضایط حزبی سیری کنیم، لیکن بعنوان هنرمند، ما را واگذارید که شخصا تغییرات هنری منقول شویم و هیچ دخلتی در این زمینه روا ندادارید؟" آیا از سر تا پای این تنها با سخاوت مخالفین ادبیات حزبی، با بتدالی نمی‌چند؟ مگر نه آنکه هنر در جامعه طبقاتی، بعنوان بخشی از ایدئولوژی (۱) این بیان طیفه نمی‌تواند خود را توفان مبارزه طبقاتی در دورنگا هدا رده‌مگر نه آنکه عالیه‌ترین دستاورد مبارزه پرولتاریا عالیترین سلاح و حزب اوست؟ مگر نه آنکه حزب زبیده‌ترین نمایندگان پرولتاریا را در خود متشکل می‌نماید؟ پس چگونه هنر - مارکسیستی، میتواند ادا دسترس هدا یست خلاقانه حزب کمونیست در سورا باشد، حزبی که بدون آن هیچ تغییر انقلابی ممکن نیست، پس چگونه هنر مارکسیستی میتواند کنترل و نظارت حزب را، به در جهت تکامل هنر، بلکه بصورت مانعی در راه خلاقیت هنری استنباط نماید.

ادبیات حزبی، لنینیسم در هنر، تنها راه تبدیل هنر از دستان دجهان، به وسیله‌ای در جهت تغییر انقلابی جهان است و از این رو هیچ

بقیه از صفحه ۱۴ مبارزه ... برای مدیران عامل خطری از جانب دولت با شنگا رگران از آنها پشتیبانی کنند و اگر مدیران عامل ضربه برداخت نگردد کارگران با پرکارخانجات از کار رگران آن کارخانه حمایت کنند. کارگران نمی‌توانند جوابی از اجناسی مدیران عامل ماشین‌سازی بگیرند و روزوشنبه ۵۸/۱۲/۲۷ شورا بکارگران اعلام میدارد که با دیگر نمی‌توانیم با مذاکره به نتیجه برسیم با بدشان تصمیم بگیرد که بلافاصله کارگران دست به اعتصاب زده و بطرف اطاق معاون مدیر عامل هجوم برده‌ومی گویند مدیران عامل

مبارزه علیه طرفداران "هنرپرولتاری" - که نقاب برای پنت یا زدن به اصول مارکسیستی بود و بوسیله لونا جارگی رهبری میشد، ابداع شد. مبارزه‌ای که تا سالهای بس از انقلاب اکثرا ادا می‌باید کرد. لنین پس از انقلاب در راه باطنه با کنگره "پرولت کولت" به رئیس کنگره لونا جارگی که اده‌های تحریف آمیزی از وظیفه هنر - مارکسیستی را دنبال می‌نمود، در پیش نویسنه قطعنامه کنگره نوشت:

"تمام اقدامات آموزشی در جمهوری کارگران و دهقانان روسیه در زمینه آموزش سیاسی بطور کلی، و در هنر بطور کلی با بدملوا ز روحیه مبارزه طبقاتی زحمتگان با ندکه در جهت رسیدن به پیروزمندانه دیدکنا توری خودگام بر می‌دارند، یعنی سرگونی بورژوا - زی و نظام طبقاتی ورد تمامی سوده‌های استنمار... (تا یکدا زماست) این برداشتن از ادبیات حزبی نشان میدهد که ادا بندنه لنینی در هنر تا طریقه‌هدهی است؛ ادبیات در خدمت مبارزه طبقاتی، ادبیات در خدمت دیکنا توری پرولتاریا، ادبیات در خدمت تغییر انقلابی جامعه! بدین طریق روشن است که نظریه ادبیات حزبی، ریشه در زرف‌ترین اعمال مارکسیسم دارد و این ایده لنینی چیزی جز تکامل مارکسیسم، جزبکارگیری خلاقانه آن در رشتنه هنرنیست.

اکنون روشن است که مخالفین ادبیات حزبی، جز بورژوازی و طرفداران نقابدار آن نمی‌توانند باشند. اکنون روشن است که وظیفه هنر متشکل م. ل. در زمینه هنر صرف نیروی لازم جهت برآفرستن پرچم لنینیسم در هنر است تا هر چه سریعتر در سدا نی‌کبه مارکسیسم - لنینیسم روی میاوردند از قبیل شوها ت لبرالی رها نی بندد و ساسا قبول ایده‌های لنینی در ادبیات، نیروی عظیم‌دهنی خود را در راه مبارزه انقلابی و ایجاد ستمگری مستحکم در جبهه انقلاب بکار گیرند.

اکنون روشن است که باید در راه نفوذ هر چه بیشتر ایده‌های لنینی کوشید تا زبیده‌ترین هنرمندان انقلابی، همه خلاقیت و توان خود را در خدمت انقلاب درآوردند. تا فریاد زبیده‌باد لنینیسم در هنر از هر جا سر بر کشد و این امر جاز را مبارزه با ایدئولوژیک، جزا ز راه مرزبندی هر چه روشن‌ترین اندیشه‌های لنینی در ادبیات و هنر و انواع ایده‌های بورژوازی و شوها ت خرده بورژوازی ممکن نیست. ما می‌کوسیم جنبه‌های دیگر ادبیات حزبی را طسی مقالات دیگری در آینده بشناسیم.

تماس بگیرد و بگوید دیگر نمی‌تواند به کارخانه برگردد و خود او را افضای کند و او در حالیکه رنگش بریده بود میگفت من هیچ کاره‌ام و... در اینجا شورا کارگران را به مجمع خوانده و جریان مذاکرات را با آنها در میان می‌سازد - کذا رند و کارگران یک صدا میگویند تا حق خود را نگیریم تخم نخواهم کرد، و بدین ترتیب تخم آغا زنده‌بلاغ استناداری رسید. در این تخم که شنبه وفرا تا ساعت ۱۱/۵ شب ادا شد که کارگران کارخانه‌های لیف - تراک و کمپید و رتینز بجا بیت از کارگران قهرمان ماشین‌سازی دست به تخم زدند. در این تخم کارگران آگاه و همچنین کارمندان مبارز دست به افشاکاری هیئت حاکمه، ما هیئت دولت... زده و محیط تخم را با دانه‌های آگاهی و شورا کارگروهیست کارگران شورا رنگیز تر میساختند. کارگران ماشین‌سازی با لآخره بعد از ماها حقان در زیر فشار رنج و فانی از غایب و استبداد دولت شوا نستمند حرفهای خود را بنزدند و مکرر می‌توده‌ای را با عمل انقلابی خود به نمایش گذاشتند. آنها در برابر توتولنه‌های دولت و عوامل ارتجاع بوسیله تکلیفان ملجوع به جماعت از محوطه کارخانه و اطراف به محافظت

بیرا خنده‌ها بیت با پرکارگران رزمنده از آنها شوا دوهیستکی کارگری را در عمل مستحکم تر ساخت و نویدی بود برای اتحاد هر چه بیشتر کارگران در شورا‌های ارتقایی و اتحادیه‌ای از این شوراها. شب ۲۷ اسفند برای کارگران قهرمان شبریز که علاوه بر این کارگران، کارگران کارخانه توکلنی نیز در حال تخم بودند، شورا رنگیز وحدت کارگری و آگاهی طیفه‌تسی بود و آنها با لآخره دولت سرما به داران را به زانو آوردند. در ماشین‌سازی مدیرعامل که بهرمان سدا ربه تا قش برگشته بود، مجبور گردید بیکماده عبیدی را قبول کرد و بطور مساوی ۲۵۰۰ تومان علی‌الحساب به کارگران پرداخت کردید. کارگران برای بقیه آن تصمیم گرفتند که بعد از عبید دولت سرما به داران را به زانو آورند. در راه باطنه مبارزات کارگران ماشین‌سازی شبریز، کمیته ادرا بیجان سازمان اعلامیه‌ای در پشتیبانی از تخم ایشان داد. کارگران شرکتی‌های مفاطعه کار شافل در کارخانه تراکتور سازی شبریز نیز بسیرا گرفتار حقوق خود دست به تخم در کارخانه زنده‌دولی متفان به بلط کمی تعداد و نبود شکل نتوان نستمند به پیروزی برسند.

### توطئه علیه کارکنان مبارز چوکا محکوم است

منطقه را آشکارا علیه کارکنان چوکا تحریک نموده، بیباک تکرر توطئه‌ای است که مقامات مسئول استان جهت پیش بردن مضمون خود تدارک دیده‌اند.

کارکنان مبارز چوکا با آگاهی از توطئه، هیئت حاکمه در اجتماع روز چهارشنبه ۵۸/۱۲/۲۸ خود قطننامه‌ای صادر کردند که برخی از مفاد آن چنین است:

- ۱- تعطیل کارخانه در توطئه‌ای جهت اخراج تعدادی از کارکنان دانسته و خواهان لغو بخش - تا ماهه شماره ۱۹۰ مورخ ۵۸/۱۲/۲۶ هستیم.
- ۲- برای هرگونه تصمیم‌گیری در امر با کسای و برپا مهریزی، شما بندگان ما کار - کنان با این شرکت داشته‌اند.
- ۳- وجود افراد مسلح را در کارخانه تحمل ننموده و خواهان لغو احکام آنها هستیم.

بدنبال صدور بخشنامه مورخ ۵۸/۱۲/۲۶ از طرف مدیرعامل چوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) مبنی بر تعطیل یکماهه کارخانه به بهانه «عملیات برپا مهریزی و آماده‌سازی» شورای کارخانه به این اقدام مخالفت کرده و بدرستی مقاصد مدیریت کارخانه را برای کارکنان شرکت توضیح می‌دهند. توطئه تعطیل یکماهه کارخانه که بمنظور اخراج کارکنان مبارز و تفرقه‌اندازی است، تدارک دیده شده، موج مخالفت کارکنان چوکا را به دنبال داشته است. از طرف دیگر مراجع اعطای شورا به مقامات مسئول از جمله استاندار، نمایندگان دفتر ریاست جمهوری، بی - نتیجه مانده است. در همین حال در چند روز اخیراً در صورت ضمنی قرار شد و اطلاعیه از طرف سپاه پاسداران و استانداران که در آن مردم

از ایران، انگلیس و آمریکا، ترکیه و پاکستان بودند. این بیباکی نظامی حلقه واسطه پسین دوپیمان امیریا لیستی دیگری سیتو (که با کستان عفو آن بود) و نا تو (که ترکیه عفو آن است) بود و کانی که در این مرکز امیر - با لیستی به کار می برداختند که مایسیر ه رژیمها همزود امیریا لیست میبودند.

بر اساس سند شماره ۲ کارگری با دلائل واهی ولی در اصل با ظرماً رزه برای احقاق حقوقش توسط کارکنان مزدور اخراج می شود ولی مطبق سند شماره ۲ ما مورخ حفظ و ساواک سابق تنها بمدت ۶ ماه از خدمت منغفل می شود.

بقیه از صفحه ۵ مروری بر ...  
کارکنان، بوزها ارتجاع را بخاک خواهد مالید. اینک توجه خوانندگان عزیز پیکار را با ستاد فوق که خاندانه‌ای گذشته و مابیت داود خان رسانی مزدور را که اکنون بعنوان رئیس مجتمع فولاد اهورا دست به اخراج کارکنان مبارز میزند، نشان میدهد جلب می‌کنیم.

سند شماره ۱ نشان میدهد که کارکنان افسارموم مدنی دبیرخانه نه‌زمان پیمان مرکزی بوده است. لازم به توضیح است که سازمان پیمان مرکزی یا ستاد سازمانی بود که امیریا لیستی‌های آمریکایی و انگلیسی به ایران تحمیل کرده بودند. اعضاء ستوغیر

### مبارزه شورانگیز و متحدانه کارگران ماشین سازی تبریز برای دریافت سود ویژه و عیدی

که عیدی گرفته‌ها شیدولی می دانید که شوری انقلاب تا کید کرده که سود ویژه با بد طبق فویط سال گذشته (۵۴۰۰۰ ریال) پرداخت گرد و جوج ۸۵۰۰۰ ریال پرداخت کرده ایم دیگر عیدی بشما تعلق نمی گیرد و من نمی توانیم از تصمیمات شوری انقلاب سربچی کنیم.

آنگاه کارگران و کارمندان مبارزین تریبون می روند و مجمع عمومی راه محصل افسان مدیرعامل و دولت سرما به ادران تبدیل می نماید. یکی از کارگران میگوید: شما هیئت شورای انقلاب، وزارت کار، وزارت صنایع و معادن و سازمان گسترش برای ما روشن شده است و می دانم که مدیرعامل نیز با مل سرمایه - داران است. من بعنوان یک کارگر میگویم تا زود نیکه سرما به ادران و ونوگرا نشان را از بین بریم هیچوقت نخواهیم توانست به خواستهای خود برسیم. مثلاً ما یونس یکتسا مدیر تولید سابق را که در رژیم گذشته از هیچ ظلمی در حق ما فرود گذار نکرده بود اخراج کردیم ولی مدیرعامل او را بعنوان معاون خود انتخاب کرده و بعد که او را از آنجا هم بیرون کردیم مقامات دولتی دست عالیتری - هیئت مدیره سازمان گسترش - را به او دادند بعد از آن یکی از کارمندان پشت تریبون رفتیم و میگویم ما را با طرح گویی اخراج کرده بودند و می دانم شما زها بین حرفها را بزیم بدون خطر نیست. آقای مدیرعامل دیگر نمی توانی ما را فریب دهی شما شما پنده سرمایه - داران هستید (مدیرعامل لبخند میزند) شما که بما می خندید ما نیز شما را مسخره کرده بریش شما می خندیم. کارگران با کف زند حرفهای او را تا نشید کردند. او دستش را به طرف مدیرعامل دراز کرده و می گوید آقای مدیرعامل ما گردن تری - گریبم و حقان را از طبقه بیرون میکشیم. مدیر سرخ شده و میگوید خنده عادت من هست تا زود من همان ناسخ هستم. کارگران داد کشیدند همان بررو بررو گمشو.

یکی از کارگران شروع سخن نموده و گفت: رفقا مدیرعامل هیچوقت درک نخواهد کرد که وقتی یک کارگر به با زار می رود و نمیتواند با حقوق کمش ما محتاج خود را تهیه نماید چه می کند. کارگران فریاد زدند نه خیر، هیچوقت نخواهد فهمید. او داد داد در قفا یک دولت نمی تواند شما پنده و طبقه باشد. هم شما پنده سرما پیدا روهما اینکه بخواد کارکنان را حاکمی و پشت سر خود داشته باشد. کارگران بدانید تا سرما پیدا را از زمین نبریم نخواهیم

همزمان با حرکت سراسری طبقه کارگر برای انحلال شوراها و سندیکا های قلابی و ایجاد شورا (سندیکا) های واقعی در کارخانه - نجات کشور کارکنان ماشین سازی تبریز یک رشته اقدامات انقلابی از جمله انحلال کمیته امام، برکناری هیئت اجرایی و دبیر همه کاره شورا که عامل استان را در مدیریت مل بود دست زدند. مدیرعامل و عوامل ارتجاع در برابر این اقدامات تصادف خلال شورا را داشتند تا دوباره عوامل خود را سرکار آوردند. اما کارگران و کارمندان مبارز با آگاهی از افسان شوری فرمایشی بحمایت از نمایندگان خود برخاسته و با انتخاب شورای جدید کامی انقلابی در جهت شکل شوری واقعی برداشتند. این شورا خواستهای کارگران از جمله ۲۴ روز تعطیلات سالانه برابر با کارمندان و سود ویژه و عیدی را دنبال نمود و با نظر خواهی از کارگران مبلغ سود ویژه را ۱۳۰۰۰ تومان پیشنهاد کرد. کارگران با مبارزه و افسان ما دهوا حده شوری انقلاب مدیرعامل را مجبور به پرداخت ۸۵۰۰۰ تومان (علی الحساب) سود ویژه نمودند.

رئیس کارخانه، مقامات دولتی و عوامل مزدور نشان را کشف و خنثی می کردند. آنها از رفت و آمد افراد دود فروخته به پیمان خود شدیداً جلوگیری می کردند. رئیس کارخانه که در گذشته او را کل کار در نرفته بود، با مقامات انتظامی به توطئه چینی نشست و چندن از "پاداران" را به سراغ کارگران فرستاد. نتفنگساران اسلامی قصد داشتند که با تفرقه اندازی بین کارکنان، نمایندگان آنها را بدون پشتیبان گذاشته و دستگیرشان کنند ولی کارگران که در عمل به صداقت و جدیت با هم با هم بودند، نمایندگان خود بی برده بودند، با اتحاد و همبستگی خود جواب دندان شکنی به آنها داده و از کارخانه بیرون نشان انداختند.

کارگران که ما و نین رئیس و حواسا بعد از کارخانه را به گروهان گرفته بودند، با نظم کارگری خود کنترل و حفاظت کامل از کارخانه را بعهده داشتند. آنها بعد از روزها وقت و مست توانستند مقامات مسئول را بقبول برخی از خواستهای جزئی خود از قبیل:

- ۱- دریافت سود ویژه نه بر مبنای دستمزد سابق که شوری انقلاب مقرر داشته بود بلکه بر مبنای دستمزد جدید که خود کارگران مطرح کرده بودند.
- ۲- پرداخت ماهانه التاف و اضافه کاری های پرداخت شده.
- ۳- پرداخت حق اولاد.
- ۴- پرداخت بیمه ای یکماهه حقوق بعنوان عیدی و ادا رنما بند. یکی از خواستهای اساسی کارگران جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه و در غیر این صورت گرفتن حق بیکاری بود. که این موضوع مقامات را بوحشت انداخته وزیر فشار کارگران کتابت شده کرده اند که سابقه شکر تهیه نموده و همه کارگران با حفظ سابقه کار خود بکار مشغول شوند.

... هم اکنون کارخانه تعطیل شده است و بیش از ۵۵ نفر از کارگران زحمتکش به صف بیکاران پیوسته اند ولی امسال برخلاف سالهای دیگری این اعتقاد دنده برای رسیدن به خواستهای خود باید مبارزه کنند، چه با غل چه بیکارا براسی که اعتصاب مدرسه انقلاب است! مستحکم با اتحاد و همبستگی کارکنان! تا بودا دستم سرما پیدا را و باسته!

### اعتصاب، مدرسه انقلاب

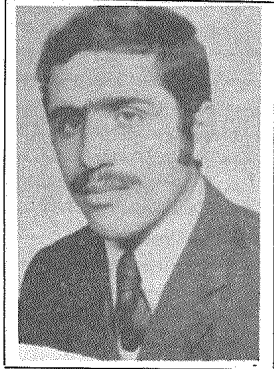
هواداران سازمان مادر "میان دو آب" در رابطه با اعتصاب کارکنان مبارز کارخانه قند سیرا ریخ ۵۹/۱/۴ اعلامیه ای منتشر کرده اند که در زیر قلمت های آن از آنرا ملاحظه میکنید: کارخانه قند سیرا ندو آب را به پترو است کنجده خا نه بنا میبند "کارخانه" بلوکار - گران در این کارخانه استمرار، بلکه واقعا فارت و کنجده میشود. برای اثبات این موضوع از شرح مفصل خودداری میکنیم. تنها برای نمونه کافیت انا ره کنیم که در این کارخانه هستند کارکنان که با ۲۵، ۳۵ سال سابقه کار هنوز کارگر وقت بحساب می آیند! بطور خلاصه میتوان گفت که توانا نیست وروابط حاکم در این کارخانه خیلی غصب مانده و تر و غیر انسانی تر از آن قوانینی بود که رژیم فدکا رگری شاه شاهن با لاجبار ره آن کردن ندها بود، و اینک که یکسال و چند ماه از قیام خونین بهمین ما میماند میگذرد، قیامی که خون بهیاری ریختن خون بیش از هشتاد هزار شهید خلق مبارزان زمان تمام شد، مثل استیلا، سبک داری، تراب کارکنان بخورد است. اگر سرما پیدا را ن قبل از قیام کسراوات و با پیون می زدند، بعد از قیام ریش سی - گذا رند و تسبیح بدست می گیرند و با آیه قرآن خود را پشتیبان مستضعفان جا میزنند و دولت پشتیبان سرما پیدا را ن همتا آنجا که توانسته بجای نان و آزادی، تکبیر و طلوات بخورد توده های زحمتکش داده و در جانی که سبب را برزور دیده گولکوله هدیه شده است. دولت سرما پیدا را ن نه می - خواد و نه میتواند تقدیمی در جهت منافع کارگران و دیگر زحمتکشان بردارد.

حال ببینیم خود کارکنان چه کردند؟  
کارکنان موقت کارخانه قند سیرا ندو آب که تعدادشان به حدود ۵۵ نفر می رسد، با درس آموزی از جریانات قیام و روش طبقه کارگردان و همچنین با استفاده از تجارب و رهنمودهای برخی از کارکنان آگاه و مبارز به طرح ای سری از خواستهای خود دست زدند. کارکنان در اوائل نسبت به دولت جمهوری اسلامی خوش خیال بودند و فکری کردند که با یکبار مر اجعه، به خواستهای آنها پاسخ مثبت خواهند داد! و با ظر همین توهم و خوش خیالی بود که مدت چند ماه از این اداره به آن اداره دویدند، از رئیس کارخانه به اداره کار، از اداره کار به فرمانداری، از فرمانداری به ... گرچه آنها جواب مثبتی دریافت نکردند، ولی درس بزرگی آموختند و آن اینکه: همه کارکنان دولتی در خدمت سرما پیدا را ن قرار دارند. آنها دریا هستند که تنها با اتحاد و یکپارچگی خود میتوانند حقوق خود را از طبقه سرما پیدا را ن بیرون بکشند و از صبح روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۵ دست به اعتصاب و تحن در کارخانه زدند. با پیوستن کارکنان شیفت روز به شیفت شب موفشان فشرده تر گردید و با اقرار این کارمل حقه ها و کلک های

### «کانون کارگران بیکار» سقر اعلام موجودیت کرد

در آخرین روزهای سال گذشته (۵۸/۱۲/۲۲) «کانون کارگران سقر» اعلام موجودیت کرد و با مماند دره سبنا حافظ، در آنجا مستقر شد. جها د زندگی که به تا زگی سرولکله اش در سقر پیدا شده و هدف اصلی خود را انحلال در جنبش خلق کرد قرار داد. دست از استخدام کارکنان از طریق کارکنان خودداری میکند. یکی از بزرگان میگوید که کانون مبارزه با بیما نگاری است که به سدی در مقابل اشتغال کارکنان بدل شده است. هم اکنون کانون ضمن تقویت صفوف خود، برای کسب حقوق بیکاران فعالیت میکند.

# فان، مسکن، آزادی



# گرامی باد خاطره رفیق شهید علی اکبر قائمی

۲۱ اسفندماه گذشته مصاف  
بودیا سومین سالگرد شهادت رفیق  
قائمی، یادش را گرامی می‌مداریم و  
بها و روحنا مشهدای راه خلق درود  
می‌فرستیم.

رفیق قائمی یکی از فرزندان دلاور خلق  
ما است که در برینو آگاهی و ایمان انقلابی خویش راه  
برگرفته خلق را بی‌مورد که تنها پس از ده سال از  
زمان شهادت وی، نشو، نکت طوما رژیم‌ننگین  
سلطنتی را درهم بید و خورشدهای مرگ آفرینی  
بر سر کرا میریا لیس‌م‌غدا رجانی وارد آورد.  
خون پاک این شهید زمانه بی‌برکسفت  
حیا با نیا و کوچ‌دویا زار ریخته‌سنگه بره‌های  
سیا به‌دیکتا توری شاه‌خا‌ش و سنگینی توان -  
فرسای سلطه میریا لیس‌م‌میریا بر می‌پیمنا -  
دل‌های هر آزاده‌مردی را می‌فشد و توده‌های  
میلیونی خلق ما را در زنجیر و بندنگه‌ها دا‌شته  
بود.

زمانی این زرمندگان دلاور خلق در  
برآرزیم‌شبه‌کارا هواربا بان امیریا -  
لیست‌قدریرا شتند که عاقبت جویسان و  
بوقلمون مفتان سیاست باز، در منجلاب‌سازش  
غوطه می‌خورند و بی‌تفاوت از کنا رجنا زده‌ای  
فرزندان خلق می‌گذشتند و در رستوهای خود  
می‌آرمیدند و در فکر استنما خلق و با لایردن  
سرما به‌کارخانه‌خوردیدیا زهم‌زمین بیشتر، ...  
بودند، هماغه‌ها کبیش از یکسال است برآواج  
توفان انقلابی خلقی‌ها ما سوار شده و درسی  
سپارآن هستن تا بلکه بخوانند تا بیگری و  
لنگی خود را بر ریختن آب سرد برآش‌شور و  
شوق انقلابی‌شده‌ها چیران سازند و انقلاب خلق  
را در قدامت‌های اولیه متوقف سازند، هم‌زاین  
روست که ارج‌گذاری برای این شهید، بعن‌سوان  
بخشی ازده‌ها هزار شهیدی که خلق ما فا‌دا کار -  
اندویری ریادری سالی‌ها اخیر در راه آزادی  
واستقلال می‌مانند، داده‌است، این دینی است  
بزرگ‌ردن همه ما، رفیق قائمی یکی از این  
شهید است.

اودوران دبیرستان در مدرسه‌علوی‌سپا‌بان  
رسا نیدووا ردها‌ننگه‌صنعتی‌گردید، در جنبش  
دا‌نشجویی‌شده‌فغانی‌دا‌ش و در همان زمان  
- قبل از سال ۵۱ - توانست با سازمان  
مجا‌هدین‌خلق ایران ارتباط بگیرد و بخشی  
از سورا انقلابی خود را در خدمت این سازمان  
فرآردهد، در این موقع توسط دشمن، به‌جرم  
فعالیت‌های دانشجویی دستگیر شد و علی‌رغم  
سنگین‌ه‌ویا‌زجونی، ارتباط خود را با سازمان  
انقلابی خود را بشکسته‌سازمان‌ها  
زندان آزادی‌دویری‌ای‌سنگه‌یتوانند تمام  
نیروی خود را در خدمت انقلاب فرآردهد و از  
بیکردن سا‌واک در امان بماند، در سال ۵۱ به

مسئله پذیرفته می‌شود.  
سورا از دعوت مجمع عمومی هراس داشته  
و می‌ترسید که کارگران نه‌بیش شونده‌دست‌بسه  
تحصن و... بزنند و ولی درست‌این بود که سورا  
به‌کارگران اعتماد کرده و مجمع عمومی  
تشکیل می‌شد و سیاست‌استاندار روم‌دیران شرکت  
را افشا کرده به‌کارگران توضیح می‌داد و  
کارگران با آگاهی یافتن به حرکت ارتجاع  
تتمیم بندی خود را می‌گرفتند، شما پندگنان  
همچنین در مورد آزادی‌هداشی تصمیم می -  
گیرند که زهرتورا یک‌نما‌بند‌انتخاب‌شده  
برای آزادی‌هداشی با ناستاندار مذاکره‌کنند،  
بر انجام مدیریت‌عامل‌سبب ایران‌آزاد می‌گردد و  
استاندار می‌گوید که روز شنبه بکارخانه می -  
آیم و خود هم‌کارگران می‌گویند که ما به‌بیطریق  
دستور سورا انقلاب عمل شود، ولی روز شنبه  
آزادمان او خبر نمی‌شود، او با تهدید در موقع  
انتخابات و بعد از آن به‌بیا‌نه‌سنگه‌بعلت  
انتخابات دوسه‌روز دیگر می‌آیم می‌خواه‌است  
مسئله را از نظر گذرن‌ده‌ده‌کار رسیدن تعطیلات  
عید قضا‌ست‌مالی‌شود.  
روزیکشنبه ۱۲/۲۶ نمایندگان سورا‌های  
۷ کارخانه تشکیل جلسه‌ده‌ده‌و‌مدیران  
عامل (مدیرعامل ماشین‌سازی روزگار رشتیه  
به‌تهران فرآر کرده بود و تمنا سلف‌نی‌با‌او  
می‌گرفتند) کمید رووی‌م‌ب‌ایران به‌این  
نتیجه می‌رسند که عید با نه‌برداخت‌شود اگر  
بقیه در صفحه ۱۲

## مبارزه کارگران کبریت نوکلی تبریز

در کارخانه نوکلی کارگران بعد از  
مبارزات خود میلیتی‌تیرا ۳/۵ ماه‌موقوف  
کلید کارگران را بطور مساوی بعنوان سود  
ویژه می‌گیرند، بعد از اعلام وزارت کار می‌بینی  
برای اینکه تمام کارخانجات با هم‌دا‌ه‌و‌احده  
را از اجزا کنند، مدیریت‌عامل اعلام می‌کنند که  
عید با نه‌برداخت‌نخواهد کرد، چرا که سود ویژه  
را به‌اندا‌زه ۲ برابر می‌دهد، مورد قضا‌ساز  
کارگران زیاد برداخت کرده‌است، با وجود  
نام‌های که کارگران از ازاره‌کاربرای  
برداخت عیدی می‌گیرند ولی مدیریت‌عامل سورا  
منابع ملی شده‌است و ننداری مقاومت می -  
کنند، سورا در اینجا مذاکرات را از نظر طول  
دا‌ده‌وقت‌رالف می‌کنند که عید نزدیک می‌شود تا  
اینکه کارگران روز ۱۲/۲۷ دست‌به‌اعتصاب  
می‌زنند ولی این اعتصاب دیرتر از آنکه می -  
بایست شروع شده بود چرا که انگیزه‌خواستن  
عید با نه‌آندقدروی‌نویده‌توانند -  
تعطیلات عید آنها را همچنان در تحنن گذراند  
کارگران، مدیریت‌عامل و رئیس هیئت مدیره  
را نیز نمی‌گذاردند از کارخانه خارج شوند، خیر  
تحصن ماشین‌سازی و برداخت عید با نه‌در  
کمید و ورکه بیوسله کارگران مبارز در کارخانه  
بخش می‌شود و روحیه کارگران را بالا می‌برد.  
ساعت ۳ نیمه شب مدیریت‌عامل با استغاده  
از فرمت از کارخانه خارج می‌شود و کارگران با  
اطلاع از آن به‌رئیس هیئت مدیره حمله کرده و  
او را عامل فراری شده مدیریت‌عامل میدانند.

فرآبا لآخره مدیریت‌عامل برگشته و مجبور  
می‌شود تا دن عیدی را بپذیرد و منتها بر سر مقدار  
آن چانه می‌زند و با لآخره ۸۰۰ تومان علی -  
الحساب به‌کارگران برداخت می‌شود، با وجود  
مقاومت فخرمانا نه‌کارگران، ضعیف‌های تحصن  
(در مقدار دریافتی ۸۰۰ تومان علی‌الحساب) بی -  
تا نمی‌رسند، این ضعف‌را عقب‌ماندگی سورا از  
کارگران را تسلیم‌ورفا‌یت‌کارگران بحرانی‌ها  
مدیرعامل که‌آنها سودویژه‌را بیشتر از سایر  
کارخانجات کارخانجات گرفتارند (۹ هزار  
تومان به ۲۴۰۰ تومان حقوق متوسط ماهانه)  
موقعیت نامناسب قبل عید و نبودن انگیزه  
قوی برای ادا‌هم‌تحصن و نبودن سورا -  
و جلسات آگاه‌کارا نه‌بجدا‌قت‌ب‌بود.  
کارگران مبارز نوکلی نشان دادند که  
با عمل انقلابی خود در پیش‌پیش‌کارگران  
مبارز در حرکت‌آنها همچنان خود را آساده  
ا‌دا‌مه‌مبارزه‌بعد از تعطیلات تصور می‌کردند.

فعلی‌السنای کاملاً مخفی برداخت  
رفیق مدتی در افسار فعالیتان  
داشت، در جریان تحول ایدئولوژیک بخشی  
از سازمان مجاهدین با درک این مهم‌که  
ما رگسیم - لنیسم‌تنها ایدئولوژی طبقه  
کارگران و تنها دربرتوانست‌که می‌شود  
سمت صحیحی را در خدمت به‌توانم‌حکمت‌سکان  
بیمودا انقلاب خلق را تا به‌انتها‌هدا‌بست  
شود، به‌بخش‌منع‌بازمان‌مجا‌هدین  
خلق ایران پیوست، رفیق قائمی از حدود  
سال ۵۳ تا سال ۵۵ برای آشنائی با وضعیت  
طبقه کارگران و کارکردن سازمان دادن آنان  
مدتی در کارخانجات قزوین، زینبا، کشمیران و  
جنرال موتورز و کارگاه‌های ریخته‌گری‌تهران  
به‌کار مشغول بود، اگرچه بدلیل حاکمیت  
اندیشه غیرپرولتری مبنی جریکی بر سازمان،  
ما مفا‌هم‌ما‌صحیحی از کار در میان طبقه  
دا‌ستیم‌که‌با‌عت‌می‌گردیده‌اندا‌زه‌نری‌ای  
که صرف فکری می‌گردید در زمان موفق‌شما  
رفیق قائمی بدرستی، این دوران از فعالیت  
خود را از بهترین دوران‌های زندگی و یاد -  
گیری خود از طبقه کارگران می‌داند، رفیق  
بدلیل تجربیاتی که در این زمینه‌دا‌شت  
سازمان‌سنگار... رفیق قائمی در سورا  
و جنبه‌نه‌وتعقیب‌ها و ضربات نیمه‌سال ۵۵ به  
بعد که سازمان ما را نیز همچون دیگر سازمان -  
های انقلابی به‌مقا‌بله‌و‌عقب‌نشینی تاکتیکی  
و ادا‌شت، در اینه‌دری‌ا‌کردن‌در‌حاشی  
پلیس به‌آن دست‌یا‌فتم‌بود‌یا‌احمال‌آن  
میرفت شرکت داشت، در ۲۱ اسفندماه رفیق  
قائمی در چهار راه سرخه‌مورد‌سنا‌سائی  
مزدوران سا‌واک قرار گرفت و با توجه‌باینکه  
مزدوران فراوانی از دشمن در آن منطقه  
برای کار انقلابیون مدام‌برسه‌میزند -  
علیرغم این‌که ا زقا‌طبعیت‌وشها‌مت‌خاص  
نظمی به‌خوردار بود، پس از مدتی تیراندازی  
و ضرب‌زدن به‌مزدوران دشمن سرانجام بدست  
ما مورین مزدور سا‌واک و شهربانی بشهادت  
رسید، یادش را گرامی باد.

در دوره‌های شهادی راه‌خلق!  
در دوره رفیق شهید علی اکبر قائمی!  
در دوره‌های فرزندان خلق که در راه‌های ساه  
دیکتا توری ما به‌جرم‌زوم‌مقا‌ومت‌را  
اهترا‌زنگه‌دا‌شتند!

## گرامی باد یاد رفقای شهید فرنگیس براتی و سودابه مهرآسا

۶ فروردین ۵۸ زمانیکه قدرت سبک -  
گان با کمک ارتش مزدور آمریکا، سنجند  
را با خاک و خون کشیدند و در آن زمان  
مدتی سازمان ما رفقا فرنگیس و سودابه  
راه عزیمت به کردستان در اترضا‌ف‌ما‌شین  
به‌شهادت رسیدند و با این ترتیب در اولی -  
سپه‌ریزوری قیام‌دولله‌سرخ برالاه‌های  
بیشتر را گرفتار فرودند.  
رفیق فرنگیس برای دانشجویان‌سنگاه  
تهران (دا‌نشجوی سابق دانشگاه شیراز) در  
سال ۵۵ در ارتباط با سازمان آزادی‌بخش  
دستگیر گردید و به‌سه‌سال زندان محکوم شد.  
رفیق فرنگیس از قلم‌لین جنبش دانشجویی

سالی ۵۳ - ۵۴ دانشگاه شیراز بود. همدان  
رفیق و ایمان وی به‌راه‌های خلقی‌ها در  
زنجیرش، وی را به‌فعالیت‌گسترده‌ای بعد از  
آزادی از زندان تا لحظه‌شهادت و ادا‌شت.  
رفیق سودابه (که این‌مندی‌یک‌از‌مدتی  
ترین هواداران راه‌های طبقه کارگر  
بود و در تمامی مبارزات خونین تهران در  
جریان قیام شرکت‌فعال داشت.  
این دو رفیق در ۶ فروردین ۵۸ هنگامی  
که از شیراز بازگردد در اترضا‌ف‌سنگاه  
تصادف به‌شهادت رسیدند.  
راه‌شان پیروزیا‌دشان گرامی باد!



### سالروز شهادت قاضی محمدگرامی باد

یکسال از عمر خود، بدست درخیمان پهلوی ، بحاک و خون کشیده شد و در همد فروردین ۱۳۲۶ شهید قاضی محمد با نژاده تن از یاران دلیرش بنیادت رسیدند ، اما میریالیسم و ارتجاع هرگز نتوانستند و نخواهند توانست ضلع مبارزه حق طلبانه ای را که سالهاست از دل این خلق سر بر می کشد خاموش کنند .

یاد این روز را گرامی میداریم و بزمبارزه بی ایمان خود در راه برپائی ایران آزاد و آباد ، مستقل و دمکراتیک همراهِ ما خلق کردو دیگر خلقهای مبارز ایران ، ادامه میدهیم .

هم فروردین مصافح است با لکدر شهادت قاضی محمد اولسن رئیس جمهور حکومت خودمختار کردستان ، بدین مناسبت یکبار دیگر ما مبارزات عادلانه خلق کرد در راه دیت کریم سرنوشت خویشی و رنج ستمگلی بنسبانی کرده ، در سرای رفیقا ما نیبیا و ندا کارهای این خلق ستم دیده و مبارز که در طول تاریخ برافتخار خود همواره غلبه طبقات ستمگرو سوریده و روز میده است سر ستمگم برود می آوریم .

جمیوری خودمختار کردستان بس از رفیق

### سالروز نبود کرامه نخستین پیروزی فلسطین گرامی باد

۲۱ مارس (اول فروردین) مصافح است با سالروز نبود پیروز مند "کرامه" ، کرامه نام دهگده ای است اردنی واقع در ساحل شرقی زود اردن ، که در چنین روزی سال ۱۹۶۸ صحنه قهرمانیهای فدائیان فلسطینی بود ، اهمیت این شهید در تاریخ مبارزات خلق فلسطین و خلق عرب بطور عام ، در این است که شما یانکر نخستین پیروزی فلسطینیها و اعراب در جنگ با اسرائیل است ، شکستهای بیابایی اعراب طی دهه سال مبارزه علیه اسرائیل و امپریالیسم استیهای انگلیسی و آمریکا ، روجید بیاس و سرخوردگی در توده ها و زمینه سازش و تسلیم را در رهبران سازنگار عرب فراهم آورده بود .

در رهبران سازنگار عرب فراهم آورده بود ، نبرد کرامه اولین فرید را به پاس ها و تسلیم فلسطینیا و رده ورد ، فدائیان قهرمان فلسطینی با رویا روشی جانش خود با دشمن تا دندان مسلح ، نشان دادند که جنگ انقلابی خلق را قدرتی دیگر است و نمیتوان آنرا درهم گسخت .

بعد از زوشن ۱۹۶۷ که شکست رژیمهای مرسوم و پیرو اردن در آن اتفاق افتاد ، اردن بصورت بیگانه فعال انقلاب فلسطین علیه اسرائیل در آمد ، فلسطینی ها میگویند از این کموریک پشت جبهه قوی (مانند ها نوی) برای انقلاب خود بسازند ، بیکارگران فلسطینی در بیابانها نشانی که در خاک اردن بوجود آورده بودند آموزش می دیدند و هر شب دهها گروه مسلح از فدائیان برای انجام عملیات مسلحانه انقلابی به داخل سرزمینهای اشغالی نفوذ میکردند ، ادامه این عملیات ، اسرائیل را "ذله" میگردد ، ارتش تجا و زکا را اسرائیل که افسانه شکستنا پذیری خود را میخواست بر خلق عرب تحمیل کند معروره نه بفرگوشمالی" دادن به انقلابیون فلسطینی افتاد ، ۱۵ هزار سرباز اسرائیلی با انواع سلاحها منجمله توپخانه و تانک و هوا بساز برای سرکوبی بیابانها که در کرامه وجود داشت از رود اردن گذشتند اما تصمیم قاطعانه انقلابیون فلسطینی در شرب رود روشی و بیابانها را نیز جانشینات ، طرح اسرائیل را به مخدود تبدیل کرد و موجب شکست اسرائیل و تلفات سنگین آنجا گردید .

رهبری انقلاب علیرغم اینکه تنها حدود

۴۰۰ رزمنده انقلابی با سلاحهای اندک و ناگامی در اختیار ردا تن عقب نشینی را نداشت از رزایی کرد زیرا معتقد بود که تنها با دفاع از این منطقه با یکا هی و درگیری قاطعانه با دشمن است که میتوان دیوارها را در توده های عرب شکست و آنا ترا به انقلاب امیدوار ساخت ، بر اساس قوانین جنگ جریکی دفاع از بیابانها ثابت ، در آن مرحله از فعالیت که انقلاب فلسطین در آن قرار داشت یک تاکتیک درست نبود ، تاکتیک درست بر اساس آن قوانین تاکتیک "بزن و درو" بود اما از رزایی رهبری انقلاب نشان میداد که از نوعا مل مهم منطقه با یکا هی یعنی زمین و توده ، انقلاب فاعلا اول یعنی زمین است ، این است که شما پلان را برای جلب اعتماد توده ها با یکبار بردوان اسرائیلی توجه به سابق شکستهای گذشته جزا مقاومت و نشان دادن جدیت انقلاب تا آخرین حد ، امکان پذیر نبود .

در این نبرده علاوه بر الفتح ، کروهیهای رزمنده دیگر فلسطینی و عنا مرکز ترنی ارتش اردن نیز در آن شرکت داشتند و تعداد قابل توجهی از عناصر رهبری منجمله با سرعفات ، ابوجها دوا و ابان نیز در آن حاضر بودند ، اسرائیل طعم نخستین شکست را چشید و تلفات قابل توجهی داد و از فلسطینی ها نیز شهیدان قهرمانی به خاک افتادند .

پیروزی انقلاب فلسطین در نبرد کرامه چنان هیجانی در خلقهای عرب به حایت از انقلاب بوجود آورده که اگر در رهبری از ضعفهای طبقاتی و بدشولوبیک متعدد در نتیجه بردوا گروناشی سازماندهی و رهبری رادار بود ، امروز سرنوشت انقلاب فلسطین و همه انقلاب منطقه چیز دیگری بود ، که تحت دربار آن ، در این یادداشت نمی کشد .

خاطره این روز تاریخی انقلاب فلسطین را گرامی می داریم و با خلق مبارز فلسطین که همسر خلقهای ایران در مبارزه با امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع است پیمان انقلاب تا پیروزی را تجدید می کنیم .

### مردم بی دفاع اندیمش آماج گلوله های سپاه پاسداران

حزب توده بیکاران را عامل تشنج نامید و پاسداران را عامل آزارش!

قرار گرفته اند با سداران آن شهر را به اندیمش میفرستند ، در اینجا سداران اندیمش و در قول با یک یورش فاشیستی مردم بی دفاع شهر را به رکبا مسلسلی - بندند ، مردم که سلاخی جزیره آجروستگ در دست نداشتند در این جنگ نابرابر که ۲ روز بطول می انجامد ۱۳ کشته ، بیش از یکصد نفر زخمی و فریب ۱۰۸ نفر اسیر میهند .

روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۷ که رفتند در تهر جنگ زده اندیمش بحال عادی بازمیگردد ، مردم شهردر میدان راه آهن منحن می شوند ، در همین روز در تشنج جنازه چند تن از شهیدا ، مردم را میزدند : "ای سدار مزه و مرگت با د ، سنگ با د" ، "کارگران بدانید ، زحمت - کتان بدانید ، با سدار دشمن توست" ، "بخت - دار مرتجع اعدا ما بند کرد" ، در کورستان شهرا ز طرف خاخرین قطعه نامه ای فرستادند که در آن خواهان آزادی زندانیان حوادث اخیر محاکمه عاملین قتل عام مردم اندیمش ، اخراج پاسداران غیربومی شهرستان اندیمش ، رسیدگی به حقوق بیکاران ، محکوم نمودن رادبولویزیون بخاطر ترسناک اخبار دروغ در مورد حوادث اخیر ... شدند .

در بی کتا رهبر حمله مردم اندیمش ، در شهرا با دان در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۸ بیگ

سپاه پاسداران بدسورنی مدرو "سورای اسلاب" و بخل خودسان برای سرفراری امنیت ندنجا انقلابیون رادگوسه و کتا رکسور به نجن ترین شیوه ها سر به نیست میکنند بلکه دست در دست با سداران غیر رسمی (خاقداران) و جا توکسان (خرقهای) اجنماع آرام و مسالمت آمیز مردم را بخون می کشند ، بیرونده سپاه پاسداران هر روز که می گذرد ما کتا مردم بی دفاع سپاه ترمینود ، به گلوله بستن بیکاران اندیمش در آخرین روزهای سال گذشتند یک دیگری از بر توده سپاه سپاه پاسداران است .

بیکاران اندیمش کدر "گانون بیکار - ان مستقل اندیمش" متکلم شده اند ، بعد از ماهها مبارزه برای کسب ابتدایی ترین حقوق انسانی یعنی "کار" روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۵ در میدان راه آهن شهرا اجتماع کردند تا با دیگر خواستهای خود را بکوش مقام مسئول برسانند ، نیبا هبا سداران مرکز توطئه ، این بیابا بسج افرا نامعلوم الحال برهمنری نعمان کلانودی (شعبان بی مخ اندیمش) از یکطرف و بعضی این با سده دروغ که گویا بیکار - ان قند حمله به با زواران را ج مبارزه ها را دارند از طرف دیگر ، با ایجاد یک درگیری صنعتی به بیکاران حمله برد و بیش از ۵۰ نفر



فلسطین: نسل انقلاب تا پیروزی



امپریالیسم و بیوروزی وابسته و ارتجاع بیش روی ما ترسیم میکنند ، به برخی از وظایفی که در انشویان مبارز خارج کشورها داران سازمان بعهده داراندا راه رفته است .

ما موفقیت جنبش انقلابی و کمونیستی را در راه تحقق آرمانهای فدا میریالیستی و فدا رتجایی خلقهای مبارز ایران و آفریدن نوروهای پیروز تر از رزم می کنیم و ما رکت فعالانه شرفنا و دوستان خارج از کشور را در همگامی با نیازهای انقلابی و کمونیستی داخل کشور نظر رداریم .

### ارسال پیام به هواداران سازمان در خارج از کشور

بمعنا ست آغاز مال نو ، از طرف سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر بیابانها مبارز در خارج از کشور ارسال شد ، در این پیام ضمن تبریک عید نوروز ما راه گوا ه به شرایط حاکم بر کشور در سال گذشته و جنم انداز امیدبخشی که مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان و روستاگران انقلابی میهن علیه

راهیمانی اعترافی به اشتکار دیپلومه های بیکار و شهروست گرفت که با استقبال مردم چندین هزار نفر میرسید .

نکته جالب توجه در این رابطه ، اینکه حزب خائن به توده ، این دوا تشنه ترین مضامه - کوهیشت حاکمه فده خلقی با کتا بیشرمی در روزی تا مه خود متحمنین را "باعث تشنج اوضاع" معرفی میکنند ، همین روزی نامه اقدامات فاشیستی سپاه پاسداران را اقدام "برای برقراری آرا من و متفرق کردن مردم" (مردم ۱۹۸) قلمداد می نماید !

از کارگران و دیپلومه های بیکار را با زداشت کردند ، بعضی اشتراکین خرد در سطح شهرا گروههای مردم به بستنیانی از بیکاران و اعتراف به اعمال فدمردمی سپاه پاسداران در جلجوی مرکز سپاه اجتماع کرده خواستار آزادی بی قید و شرط فرزندان خود می شوند .

آخو بدیترج شهرا که مورد نفرت مردم شهرا شهراست ، با زاریان و جماعت بدستان نا هسی را تحریک کرده و به جنگ "کفار" فرا میخواند ، و از طرف دیگر عوا مل او در در قول شریمنوان اینکه با سداران اندیمش مورد حمله "کفار"

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست